

(نگاهی به نقش خواب و رویا در جریان های انحرافی)

محمد شهبازیان

بسم الله الرحمن الرحیم

خواب پریشان: نگاهی به نقش خواب و رویا در جریان های انحرافی

نویسنده:

محمد شهبازیان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

خواب پریشان: نگاهی به نقش خواب و رویا در جریان های انحرافی

مشخصات کتاب

سرشناسه:شهبازیان، محمد، ۱۳۵۹ -

عنوان و نام پدیدآور:خواب پریشان: نگاهی به نقش خواب و رویا در جریان های انحرافی

مشخصات نشر:قم: موسسه بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:۹۶ ص.

شابک:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۶۶-۸

وضعیت فهرست نویسی:فیپای مختصر

یادداشت:فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است

شماره کتابشناسی ملی:۳۷۸۶۴۳۸

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحیم

ص: ۳

خواب پریشان

(نگاهی به نقش خواب و رویا در جریان های انحرافی)

محمد شهبازیان

ص: ۴

خواب پریشان

مؤلف: محمد شهبازیان

ویراستار: محمد رضا داداش زاده

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

طراح جلد و صفحه آرا: مسعود سلیمانی

نوبت چاپ: اول- بهار ۱۳۹۴

شابک: ۸-۶۶-۷۱۲۰-۶۰۰-۹۷۸

شمارگان: هزار نسخه

قیمت:۴۰۰۰ تومان

* قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) / خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ پ: ۲۶/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱(داخلی ۱۱۷و۱۱۶)/۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش)/ ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت)/ فاکس:۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

* تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)/ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص. پ:۳۵۵-۱۵۶۵۵

m www. mahdi۳۱۳. com

m www. mahdaviat. ir

m info@mahdaviat. ir

m Entesharatbonyad@chmail. ir

فهرست مطالب

مقدمه

اشاره

رؤیا تجربه ی افکار، تصاویر یا احساسات به هنگام خواب است. رؤیا ممکن است اتفاقات عادی و روزمره و یا عجیب و غریب را دربر گیرد. انسان ها به صورت تاریخی همواره اهمیت زیادی به رؤیا داده، و به روش های گوناگونی به آن نگریسته اند. به عنوان مثال، گروهی آن را پنجره ای به سمت مقدسات، گذشته، آینده و یا دنیای مردگان در نظر گرفته اند.

بی شک هیچ چیز به اندازه ی رویا در میان عموم مردم و حتی تحصیل کردگان ساده دل تاثیر گذار نیست. به یقین همه ی ما این گونه افراد را دیده و برخورد ساده لوحانه ی تعدادی دیگر را تجربه کرده ایم. هرگز فراموش نمی کنم که بزرگ ترهای ما اگر خواب شخص سیّدی را می دیدند، آن را پذیرفته و برای خود حجت پنداشته، تا آن جا که وقتی در دوره ی نوجوانی به مساله ای اختلافی میان خود و مادرم گرفتار شدم؛ یکی از اقوام با دیدن خواب خود به فریادم رسید و تنها با این رویا توانستم در برابر پافشاری هایش پیروز شوم! این آسیب، سوگمندانه گریبانگیر تمام ملّت ها و ادیان و مذاهب شده و نمی توان آن را به مذهب یا دین خاصّی نسبت داد. از نگاه عالمان دینی، بی اعتبار جلوه دادن تمام و یا زیر سوال بردن مقوله ی خواب نیست؛ بلکه آنان در صدد آموزش مراقبت پذیرش رؤیای صادقه و محدوده اعتبار و جایگاه آن برآمده اند که چگونه می توان از این نعمت خدادادی بهره جُست؟

گفتنی است در وجود انواع خواب برای انسان ها و از جمله رویای صادقه شکّی نیست؛ و بحث های گوناگونی از عالمان دینی و راویان شیعه و سنی، درباره ی ماهیت خواب و انواع آن، ارائه شده است. (۱) اما مسئله ای که کمتر بدان پرداخته شده، جایگاه رویا در تشخیص مصداق حجت الهی و معصوم می باشد. برخی از مدعیان، دلیل های قرآنی و روایی در اثبات مدعای خود آورده و به مریدان خود القا کرده اند که با خواب می توانند حقانیت آنها را به دست آورند. در این نوشتار برآنیم تا پس از بررسی لغات (رؤیا)(۲)، (نوم)(۳)، (حلم)(۴)و(حدیث)(۵) در قرآن و ارتباط آن ها با یکدیگر، به بیان تاریخچه ی مختصری از به کار گیری رویا در میان فرقه های انحرافی و نقد ادله قرآنی، روایی و تاریخیِ ادعا شده، بپردازیم.

این مجموعه در ادامه ی نقد جریان انحرافی یمانی معاصر در عراق است که پیش از این در دو فصلنامه ی علمی پژوهشی مشرق موعود و علمی ترویجی پژوهش های مهدوی به چاپ رسیده بود؛ اما اینک با توجه به مطالب ضمیمه شده ی بیشتر، به ویژه در قسمت تاریخچه ی بهره گیری از رویا در میان مدعیان، به صورت کتاب تقدیمتان می شود.

در این جا لازم است از قائم مقام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، جناب حجت الاسلام دکتر محمد صابر جعفری و حجج اسلام نائینی و فوادیان که در چاپ این اثر همکاری نمودند و حجج اسلام مجتبی کلباسی، اکبر ترابی

۱- ر. ک: بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۵۱، برای نظرات اهل سنت نیز ر. ک: بحار الانوار، ج۵۸، ص۱۵۱و موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۱، ص ۸۸۷.

۲- یوسف، ۵.

۳- نبأ، ۹.

۴- یوسف، ۴۴.

۵- یوسف، ۶، ۲۱، ۱۰۱.

شهرضایی، نصرت الله آیتی و مهدی یوسفیان که با رهنمود های خود بر غنای مباحث افزودند و نیز حجت الاسلام و المسلمین پور سید آقایی که اجازه ی چاپ مقالات را در قالب کتاب داده اند، تشکر نمایم.

امیدوارم که خوانندگان عزیز با راهنمایی های خود بر غنای این بحث بیفزایند.

قم ۱۳۹۳

محمد شهبازیان

نکاتی قبل از ورود به بحث

قبل از ورود به بحث و برای آسانی در بررسی دلایل، به نکته هایی پذیرفته شده از سوی تمام فرقه های اسلامی و حتی مدعیان دروغین اشاره می کنیم:

۱. «امامیه، اصل خواب و رویا و به وجود آمدن ارتباط روحی میان انسان خاکی و مبادی عالی و کشف بخشی از حقایق برای انسان را پذیرفته و به استناد آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام، آن را نوعی الهام درونی می داند.

در برخی روایات، رؤیا به سه نوع تقسیم شده، که عبارتند از:

بشاره من الله للمومن، و تحذیر من الشیطان(۱)، و أضغاثُ أحلام ؛ خواب یا بشارتی از سوی خداوند به مؤمن است یا القای شیطان و یا چیزی جز خواب های آشفته نیست. (۲)

به عبارت دیگر، در وجود خواب های قابل تعبیر ورویاهای صادقه تردیدی وجود ندارد و آیات قرآن و روایات، به موارد متعدد این گونه رویا اشاره نموده اند. و حتی رویای یک فرد غیر مومن نیز می تواند به واقعیت خارجی بپیوندد. (۳)

۲. در روایات گوناگونی تصریح شده که مؤمن نیز خواب های آشفته دارد و همیشه رویاهای او صادقه نیست. به عنوان نمونه شیخ صدوق در روایتی نقل می کند:

۱- در توضیح این عبارت ر. ک: بحار الانوار، ج ۵۸ ص۱۸۱.

۲- تلخیص قسمتی از مطالب دایره المعارف تشیع، ج۸، ص۳۹۸. مدخل رویا.

۳- یوسف، ۴۳.

قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السلام:الْمُؤْمِنُ یَرَی الرُّؤْیَا فَتَکُونُ کَمَا رَآهَا وَ رُبَّمَا رَأَی الرُّؤْیَا فَلَا تَکُونُ شَیْئاً؟ فَقَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا نَامَ خَرَجَتْ مِنْ رُوحِهِ حَرَکَهٌ مَمْدُودَهٌ صَاعِدَهٌ إِلَی السَّمَاءِ فَکُلَّمَا رَآهُ رُوحُ الْمُؤْمِنِ فِی مَلَکُوتِ السَّمَاءِ فِی مَوْضِعِ التَّقْدِیرِ وَ التَّدْبِیرِ فَهُوَ الْحَقُّ وَ کُلَّمَا رَآهُ فِی الْأَرْضِ فَهُوَ أَضْغَاثُ أَحْلَام...؛(۱)

محمد بن قاسم نوفلی گوید: از امام ششم علیه السلام پرسیدم بسا مؤمن خوابی ببیند و همان طور واقع شود و بسا خوابی ببیند و اثری ندارد؟ فرمود: مؤمن در حال خواب حرکتی از روحش تا آسمان بالا می رود و هرچه را روح مؤمن در آسمان- که محل تقدیر و تدبیر است- ببیند، حق است و هر چه را در زمین ببیند اضغاث و احلام است.

امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر در پاسخ به مفضّل نیز، به همین نکته اشاره فرمود.(۲)

۳. بی تردید شیاطین می توانند برای انسان ها خواب سازی کرده و به تعبیر عامیانه آنها را خواب نما کنند، (۳) که در آیاتی از قرآن اشاراتی به این مطلب شده است.(۴)

۴. اگر فردی چیزی را در خواب ببیند و با عقل سلیم و آیات و روایات تعارض داشت، بی تردید این رویا از نوع دروغ آن بوده و اعتبار ندارد. باید در

۱- امالی(صدوق)، ص ۱۴۵؛جامع الاخبار، ص۱۷۲.

۲- بحار الانوار، ج۵۸، ص۱۸۳.

۳- حتی شخص مدعی یمانی(احمد بصری) و یارانش، این نکته را پذیرفته اند که اجنه و شیاطین می توانند خواب سازی کنند و خود را به جای معصوم نشان دهند. ر. ک: الجواب المنیر، ج ۱-۳، ص ۳۲۱ ؛ بین یدی الصیحه، ص ۲۰ و ۹۰.

۴- ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۵۳۶؛ کنز الفوائد، ج ۲، ص ۶۲؛ الفصول المختاره، ص ۱۳۲.

مورد ادعاهای مدعیان دروغین به این نکته توجه داشت که راه تشخیص حق یا باطل بودن این گروه با بررسی سخنان آنان آشکار شده و تا کنون در تشخیص بطلان هیچ موردی از مدعیان، شبهه و تردیدی برای اهل علم و فهم وجود نداشته است؛ و پس از اثبات ادعای باطل این افراد، به یقین اگر رویایی نیز در مدح آنان دیده شود، حمل بر رویای شیطانی می شود.(۱)

۵. در روایات و نیز سخنان عالمان دینی، معیارهایی برای اثبات صادقه بودن رویا ذکر شده که تشخیص آن از عهده ی مردم عادی خارج است و باید برای این کار به متخصص تعبیر خواب مراجعه کرد. (۲) برای نمونه: در نگاه علّامه ی مجلسی، گاهی دو فرد یک موضوع را درخواب می بینند، اما تعبیر خواب هر یک با دیگری تفاوت دارد و نمی توان برای هر دو یک حکم را در نظر گرفت.(۳)

۶. گاهی خواب و رویا (در صورت اثبات صادقه بودن)، به عنوان مؤیِّد و یا دلگرمی (نه دلیل) برای مؤمن، به کار برده می شود و خداوند متعال پس از ایمان فردی از طریق صحیح و علمی به عقیده ای، برای استحکام در امرش رویای صادقه ای به او نشان داده و ایمان به دست آمده از علم او در این رویا تایید می شود.

۷. از منظر روایات، رویای انبیا با دیگران فرق داشته و حکم یا الاهیات نشان داده شده در خواب، به عنوان وحی محسوب می شود.(۴)

ولی بحث در این است که:

آیا بنا بر آیات الهی، خواب می تواند راهی برای تشخیص مصداق امام و

۱- الفصول المختاره، ص ۱۳۰؛ بحار الانوار، ج ۵۸، ص۲۳۸.

۲- روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۵، ص ۳۹.

۳- بحار الانوار، ج ۵۸، ص۲۳۳.

۴- امالی (طوسی)، النص، ص ۳۳۸.

حجت الهی قرار گیرد؟

در این جـا پس از بیـان تـاریخچه ای از مـدعیان و جریان های انحرافی تمسک کننـده به رویا، به بیان و نقـد دلیل های قرآنی، روایی و تاریخی مدعیان پرداخته، و نظریه ی مختار را تقدیم می کنیم.

فرضیه ی مخالف

همـانگونه که گـذشت، بسـیاری از مـدعیان امامت و نیابت رؤیا را دلیل بر امامت و حقانیت خود مطرح کرده انـد. یکی از این افراد احمد بن اسماعیل بصری می باشدکه برای ادعای خود به ادله ای نیزتمسک کرده است.

بخش اول: واژه شناسی و تاریخچه استفاده از رویا در میان فرقه ها و مدعیان

اشاره

واژه شناسی

رویا از کلمه (رأی) گرفته شـده، (۱) و مراد از آن، چیزی است که در خـواب دیـده شود. (۲) این لغت با کلمات دیگر ماننـد: حلم(۳)، نوم(۴) و حدیث(۵) مترادف می باشد. در مورد ترادف حدیث با رویا، علّامه ی طباطبایی آورده است:

کلمه" احـادیث" جمع حـدیث است، و بسـیار می شود که این کلمه را می گوینـد و از آن رؤیاها را اراده می کننـد؛ چون در حقیقت رؤیـا هم حـدیث نفس است؛ زیرا در عـالم خواب، امور به صورتهایی در برابر نفس انسان مجسّم می شود، همان طور که در بیداری هر گوینده ای مطالب خود را برای گوش شنونده اش مجسم می کند، پس رؤیا هم مانند بیداری، حدیث است. (۶)

و در تفـاوت نوم بـا رویـا، برخی از لغت شـناسان برآننـد که مراد از نوم، خواب غافلانـه است؛(۷) و در مورد تفـاوت بـا حلم، معتقدند که واژه ی حلم گاهی اشاره به

۱- لسان العرب، ج۱۴، ص۲۹۱.

۲- همان، ج۱۴ ص۲۹۷؛ مجمع البحرین، ج ۱، ص۱۶۸.

۳- لسان العرب، ج ۱۲، ص ۱۴۵.

۴- المحیط فی اللغه، ج ۱۰، ص ۴۱۲.

۵- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۸۰.

۶- همان.

۷- لسان العرب، ج۱۲، ص۵۹۸.

خواب آشفته دارد و در تایید نظر خود به آیه ی «اضغاث احلام»(۱) استناد می کنند.(۲)

تاریخچه استفاده از رویا در میان فرقه ها و مدعیان

اشاره

تاریخچه استفاده از رویا در میان فرقه ها و مدعیان(۳)

۱. ابوجعفر قائنی

در قرن هفتم هجری قمری رویـایی به وسـیله ی ابوعمرو عثمـان بن مفتی الشافعی(۶۴۳ ق)(۴) نقل شـده که متعلق به ابو جعفر محمـد بن عبدالله القائنی از نویسـندگان قرن چهارم اهل سـنت است. در مورد این فرد اطلاعی در دست نیست و رویای او تنها در دو نسـخه ی خطّی آمـده که متن آن را جـان سـی. لامـوروکس بازخوانی و معرفی کرده است. (۵) قـائنی ادعا کرده که به سال ۳۸۶ ق در رویای خود حضـرت محمد صـلی الله علیه و آله را دیده و با او در مورد مشکلات خود سخن گفته است. او با تمسک به خواب نسـبتا طولانی خود بـدعت گـذاران، قائلین به جسـمانیت خـدا و قـدریه را مورد بخشـش خدا دانسـته و پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله آن ها را مشمول شفاعت خود می داند.(۶) وی، در کنار این سـخنان، در عظمت صوفیانی همچون جنید بن محمد بغدادی، سری سقطی، ابو یزید بسطامی و... به این قسمت از خواب خود تمسک یافته و می گوید:

۱- یوسف، ۴۴.

۲- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص۱۲.

۳- برای دیدن رویاهای ادعایی در میان اهل سنت ر. ک: أصول بلا أصول، محمد بن احمد بن اسماعیل المقدم.

۴- سبکی در مورد او چنین می گوید: الشیخ العلامه تقی الدین أحد أئمه المسلمین علما ودینا... وتفقه علیه خلائق وکان إماما کبیرا فقیها محدثا زاهدا ورعا مفیدا معلما. ر. ک: طبقات الشافعیه، ج ۸، ص ۳۲۶.

۵- ر. ک: خواب و رویا فراسوی مرزها، ص۱۱۱.

۶- همان، ص۱۱۸.

گفتم: ای فرستاده ی خدا، بزرگان صوفی مانند ابراهیم ادهم، ذوالنون، جنید بن محمد، سری، ابویزید بسطامی و ابوعبدالله نباجی چه طور؟آن ها پیروانشان را از سه چیز منع می کنند: مطالعه ی کلام (الهیات جدلی)، مشارکت در مباحث مربوط به فتنه ی صحابه یا گوش دادن به آن ها (۱)و تمرد در امور دینی.

در ادامه، تایید رسول خدا صلی الله علیه و آله را درباره ی این راه و اشخاص چنین ذکر می کند:

این راه من است؛ هر کس آنرا طی کند در راه راست است.(۲)

۲. شاه شجاع

برخی صوفیه در عظمت شیوخ خود به خواب تمسّک کرده و در شرح حال آنها چنین می گویند:

شیخ الاسلام گفت: شاه شجاع ۴۰ سال نخفته بود بر طمع؛ وقتی در خواب شد حق تعالی را خواب دید, بیدار شد و این بیت را بگفت: رأیتُک فی المنام سرور عینی (قلبی)، فاحببت التعیش و المناما یعنی: ترا در خواب دیدم, شاد و قلبم پس دوست می دارم خواب را. پس از آن پیوسته همی خفتی یا وی را خفته یا فتندی یا در طلب خواب.(۳)

۳. ابوسعید ابوالخیر

در عظمت ابو سعید ابوالخیر(۴۴۰ ق) ! به این داستان و خواب تمسّک جسته اند که شیخ علی بن محمد بن عبدالله، معروف به ابن باکویه، از رقص و

۱- مراد وقایع بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله است. و همچنین جنگ میان حضرت علی علیه السلام با زبیر، طلحه و معاویه.

۲- همان، ص۱۳۳.

۳- نفحات الانس، صص ۶۹ و ۲۲۸.

سماع ابو سعید ابوالخیر، برائت می جست؛ اما در سه رویای پیاپی چنین می بینند که به او می گویند:

(قوموا وارقصوا لله)

و از این جا یقین کرد که رقص ابو سعید بی اشکال است !!(۱)

۴. احمد بن عبدالله بن هاشم، معروف به الملثم

وی در ۶۵۸ ه. ق. در قاهره به دنیا آمد وپس از آموزش فقه شافعی از اساتید مصر، در سال ۶۸۹ قمری ادعای مهدویت کرد. او ادعا داشت که خدای بلند مرتبه را در خواب دیده وپس از دیدارش در سدره المنتهی به همراه جبرئیل به عرش رفته و در آنجا با خدا سخن گفته و خداوند به او خبر مهدی بودنش را وحی کرده است. او همچنین مدّعی است که در خوابی دیگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را دیده و ایشان او را فرزند خود و مهدی موعود دانسته است. این فرد کتابی در مورد حالات خود نوشته که بیشتر مطالب آن، رویاهای خود اوست و بر درستی هر یک از خواب هایش قسم یاد کرده(۲) و برخی از رویاهای او به واقعیت می پیوست.(۳)

۵. فضل الله حروفی

فضل الله حروفی (۷۹۶ ق)، استر آبادی بود و سالها در اصفهان زندگی کرد. از آنجا به مکه رفت و بازگشت و در سال ۷۷۸ ق در این شهر ادعای مهدویت کرد. اثبات مهدی بودن وی با خواب، و این که این ادعا در خواب مورد تایید حضرت علی علیه السلام هم قرار گرفته، در «نوم نامه» وی آمده است:

۱- نفحات الانس، ص ۲۱۴.

۲- الدرر الکامنه، ج ۱، ص۲۱۸.

۳- همان، ص ۲۲۰.

در اوایل جمادی الاولی سنه ست و ثمانین و سبعمائه (۷۸۶ ق) دیدم در ذی حجه که جامه ی من سپید و پاک، به غایت شسته بودند و بینداخته و من دانستم که جامه من است و می دانستم که جامه ی مهدی است امام، یعنی می دانستم که منم.(۱)

۶. سید محمد نوربخش

نوربخشیه، فرقه ای مذهبی- صوفی منتسب به محمد بن عبدالله نوربخش (۸۶۹ ق)در اصل قائنی از پدری از سادات، و مادری ترک است، که گویند همراه سید محمد فلاح شاگردی ابن فهد حلی را داشت؛گرچه در این باره تردیدهایی وجود دارد.(۲)

این فرد در نوشتاری با عنوان «رساله الهدی »، ادله ی مهدی بودن خود را بیان کرده که از جمله آن ها به خواب استناد نموده است. او می نویسد:

عمده الواصلین و قدوه ارباب المکاشفه بالیقین خلیل الله بن رکن الدین بغلانی گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که به مردم خطاب می کرد:بیایید و با فرزند من بیعت کنید؛ و با دست اشاره به تو می کرد و آنان یقین داشتند که او همان مهدی موعود است. (۳)

در رویایی دیگر نیز چنین می آورد:

عارف مکاشف محمد بن علی بن بهرام قائنی گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم. مساله ای را در حقایق پرسیدم، در پاسخ فرمود: حقیقت اشیاء را کسی جز مهدی نمی داند، وبا دست اشاره به من می کرد.(۴)

۱- مهدیان دروغین، ص ۱۰۷.

۲- همان، ص ۱۱۵.

۳- همان، ص ۳۶۱.

۴- همان. همچنین جهت دیدن دیگر رویاهای نقل شده در مورد او ر. ک: ص ۳۶۲.

این فرد پس از نقل خواب دیگران در مورد خود، به رؤیای خویش و دیدارش با امام علی علیه السلام اشاره کرده و می گوید:

اما آنچه را که خودم در عالم مثال درباره امامتم دیدم، فراوان است. از آن جمله این که امیر المومنین علی(کرم الله وجهه) را دیدم که نزدم آمد و من از فراوانی ستمگران و گستردگی محنت هایم از دست آنها، ناراحت بودم؛ پس برخاستم و استقبال کردم. با من معانقه کرد و برابرم نشست؛ در حالی که میان من و او به اندازه ی دو ذراع فاصله بود. سپس به من فرمود:کار تو روبراه خواهد شد البته، البته.... (۱)

۷. بایزید انصاری

بایزید (بازید) انصاری (۹۸۰ ق)، معروف به پیرروشان (روشن)، فرزند قاضی عبدالله فرزند شیخ محمد، عارف و نویسنده ی افغانی تبار شبه قاره و پایه گذار گروه روشنیان... وی در اوایل حیاتش با معلمان جوکی هندو نیز معاشرت داشت و باید اصول حلول روح را از آنها فرا گرفته باشد. رفته رفته خود را پیر کامل دانست و مدعی مکاشفاتی شد و ادعا کرد که در خواب خضر را دیدار کرده و از دست او آب حیات نوشیده است.(۲)

۸. شیخ احمد احسایی

شیخ احمد احسایی(۱۲۴۱ ق)، متولد روستای مطیرفی (واقع در منطقه احساء در شرق عربستان) است که آموزش های او اساس تشکیل جماعت شیخیه گردید.

احسایی از رویایی در ایام تحصیل خود یاد می کند که در آن شخصی تفسیر

۱- همان، ص ۳۶۴.

۲- همان، ص ۱۲۲.

عمیقی از دو آیه ی قرآن به او ارائه کرده بود. وی می گوید: این رویا مرا از دنیا و آن درسی که می خواندم رویگردان ساخت ؛ از زبان هیچ بزرگی که به مجلس او می رفتم، نظیر سخنان آن مرد را نشنیده بودم و از آن پس تنها تنم در میان مردم بود. این حالت سر آغاز تحولی معنوی در زندگی احسایی بود که رویاهای الهام بخش(۱) دیگری را در پی آورد. او که خود یک سلسله از این رویا ها را برای فرزندش باز گو کرده است، می گوید: پس از آن که به راهنمایی یکی از رویاها به عبادت و تفکر بسیار پرداخته است؛ پاسخ مسائل خود را در خواب از ائمه اطهار علیهم السلام دریافت می داشته و در بیداری به درستی و مطابقت آن پاسخ ها با احادیث پی می برده است. (۲)

سید کاظم رشتی که از جمله شاگردان شیخ احمد احسایی و ادامه دهنده راه و تفکرات او بوده، در مورد شیخ احمد و رویاهایش چنین می گوید:

... مراد از اسم شیخیه - که در این روزها این فرقه را بدان اسم می نامند- منسوبند به شیخ جلیل و عالم نبیل فهو الشیخ احمد ابن زین الدین ابن ابراهیم... الاحسایی وحید عصر و یگانه ی دهر که اخذ کرده است علوم را از معدنش و برداشته است از منبعش که عبارتند ائمه ی طاهرین علیهم السلام. این علوم درخوابهای صادق و نومهای صالح از ائمه ی هدی علیهم السلام به آن جناب می رسید و شبهه ای نیست که شیطان به صورتهای مبارک ایشان متصور نمی تواند شد. او امام حسن علیه السلام را در خواب دید و آن حضرت زبان مبارک خود را بر دهان او بداد و از لعاب دهان مبارک آن حضرت استفاضه و استمداد نمود و کامش شیرین تر از عسل و خوشبوتر از مشک بود.

۱- این الهام بخش بودن از نگاه شیخ احمد و گمان ایشان بوده است، و گرنه تردید در اشتباه بودن این رویاها پس از بررسی ادعاهای این فرد وجود ندارد.

۲- دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج۶، ص ۶۶۲.

پس زمانی که بیدار شد از فیوضات خداوند برخوردار شد.(۱)

۹. سید کاظم رشتی

پس از مرگ شیخ احمد احسایی به سید کاظم رشتی (۱۲۱۲ – ۱۲۵۹ق) مراجعه کرده و مریدانش در اثبات حقانیت او به این رویا تمسک یافته اند:

«رویه ی سید کاظم رشتی چنین بود که هر ماه ذی القعده از کربلا به کاظمین مسافرت میفرمودند و برای روز عرفه به کربلا مراجعت می کرد. از این جهت در اوایل ماه ذی القعده سال ۱۲۵۹ قمری که آخرین سال حیات او بود، به کاظمین سفر کرد؛ روز چهارم ماه به مسجد برته رسید(این مسجد در بین بغداد و کاظمین واقع است)؛ اول ظهر بود، مؤذّن را فرمان داد که برای نماز ظهر اذان بگوید؛

۱- دلائل المتحيرين، ص ۲۰. وصول الشيخ إليهم فى الرؤيا وأما هذا الشيخ الجليل والعالم النبيل الذى يسمى المنتسبون إليه الكشفيه أو الشيخيه: هو الشيخ أحمد بن الشيخ زين الدين بن إبراهيم بن صقر بن إبراهيم ابن داغر بن راشد بن وهيم بن شمروخ آل صقر المطيرفى الإحسائى , واحد العصر وفريد الدهر , أخذ العلوم عن معدنها وغرفها من منبعها أى الأئمه الطاهرين سلام الله عليهم أجمعين. وكان يصل إليهم فى الرؤيا الصادقه والمنامات الصالحه ولا ريب أن الشيطان لا يتمثل بصورهم ولا يشبه نفسه بهم , لقد رأى سيدنا ومولانا الحسن فى المنام فجعل عليه السلام لسانه الشريف فى فمه وأمده من ريقه وكان أحلى من العسل وأطيب من المسك ولكنه فى حراره , فلما انتبه واستيقظ تهيجت فيه نوائر الإقبال إلى الله والتوجه إلى عباده والإنقطاع إلى الله والإعراض عن كل ما سوى الله والتوكل على الله والاعتماد بالله وابتغاء سبيل مرضاه الله بشوق وافر وحب متكاثر بحيث اشغلته عن الطعام والشراب فلا يأكل ولا يشرب إلا ما يسد به الرمق , وعن مخالطه الناس وعن معاشره الخلق لم يزل قلبه متوجها ولسانه ذاكرا دائم التفكر والتدبر فى عالم الآفاق والأنفس كثير النظر فى عجائب حكمه الله وغرائب قدره الله وعظيم التنبه للحكم والمصالح والأسرار المودعه فى حقائق الأشياء. وحيث أشغله ما ذكرنا عن الطعام والشراب والقرار والمنام ومعاشره الأنام وكان لا يستقر له قرار ولا يلتفت إلى نفسه لا بالليل ولا بالنهار ولا مستقرا به الحال إلى مده سنتين إلى أن آل البدن إلى الاضمحلال والبنيه إلى الانتقال ولم يتحمل الجسم لتلك الأعمال والعبادات وتكلف الأمور الشاقه من الخيرات وتحصيل مزيد الحسنات. إلى أن رأى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فى الرؤيا الصادقه فأمده من ريقه الشريف وسقاه منه إلى أن ارتوى فكان الطعم والرائحه مثل الأول لكنه بارد فلما انتبه سكنت تلك النائره وتوجهت إليه العنايه فتعلم منهم العلوم والأسرار وأشرق من أفق قلبه مطالع الأنوار وليست تلك العلوم بمحض الرؤيا , فإذا انتبه يجد دليله من الكتاب والسنه ومن بيانات الأئمه وإرشاداتهم للرعايا ودلاله العقل السديد الذى هو لكل مقام حجه وكان يجمع بين ظواهر الأدله وبواطنها , وبين قشورها وحقائقها , واطلع على جوامع العلوم , وأحاط بكليات الرسوم , بالتوجه إلى الحى القيوم ببركه الإمام المعصوم.

روبروی درب مسجد درخت خرمایی بود؛ سید زیر درخت ایستاده بود که ناگهان مردی عرب از مسجد بیرون آمد و به حضور سید شتافت و گفت سه روز من اینجا هستم، گوسفندانم را در چراگاه نزدیک اینجا می چرانم، خوابی دیدم و مامورم که آن را برای شما بگویم. در خواب حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله را دیدم که به من فرمود: ای چوپان! گفتار مرا درست گوش بده و در خاطر نگهدار؛ زیرا این گفتار به منزله ی امانت خداست که به تو می سپارم؛ اگر به قول من رفتار کنی، اجر عظیم خواهی داشت و اگر اهمال نمایی، به عذاب شدید مبتلا خواهی شد؛ در همین جا بمان، روز سوم یکی ازاولاد من - که نامش سید کاظم است- به همراهی پیروان خود اینجا خواهد آمد و اول ظهر در زیر درخت خرما نزدیک این مسجدخواهد ایستاد؛ به حضور او برو، سلام مرا به او برسان و بگو مژده باد که ساعت مرگ تو نزدیک است، پس از زیارت کاظمین فوری به کربلا برگرد، زیرا پس از سه روز ازورود به کربلا؛ یعنی در روز عرفه وفات خواهی کرد و طولی نمی کشدکه پس از وفات تو موعود الهی ظاهر می شود.... سید رشتی چون این شنید تبسّمی برلبانش آشکار گردید و فرمود: ای چوپان رویای تو درست است».(۱)

۱۰. فرقه بابیه و علی محمد شیرازی

علی محمد شیرازی(۱۲۶۶ ق) بنیانگذار فرقه ی بابیه و یارانش نیز از رویا در اثبات دعوت باطل خود بهره برده و علی محمد باب درباره ی خود چنین می گوید:

یک سال قبل از اظهار امر، در رویا چنین مشاهده کردم که سر

۱- تلخیص تاریخ نبیل، ص۴۱. همچنین برای خواندن رویایی دیگر در مورد سید کاظم رشتی ر. ک: ص۱۴۹.

مطهر امام حسین علیه السلام از درختی آویخته است، قطره های خون از آن می چکد، من نزدیک آن درخت رفتم، نهایت بهجت و سرور راداشتم که به چنین موهبتی فایز شدم؛ دو دست خودم را پیش بردم و در زیر حلقوم بریده مقدس امام حسین علیه السلام-که خون از آن می چکید - نگاه داشتم؛ مقداری خون در دست من جمع شد، آن ها را آشامیدم. وقتی که بیدار شدم خود را در عالم دیگر دیدم؛ روح الهی از تجلی خویش جسمم را می گداخت و سرا پای مرا انوار فیض خداوند فرو گرفته بود، سروری الهی در خود می دیدم، اسرار وحی خداوندی با نهایت عظمت و جلال در مقابل چشم من مکشوف و پدیدار بود.(۱)

و یا عبدالکریم قزوینی برای حقانیت ظهور علی محمد شیرازی در سال شصت قمری به این رویا تمسک یافته و می گوید:

شب عید را به نماز و دعا گذراندم، بغتتا خوابم برد؛ در خواب دیدم مرغ سفیدی مثل برف دور سر من پرواز می کند پهلوی درختی ایستاده بودم، مرغ روی شانه ی آن درخت نشست و با نغمه ی موثری که از وصف آن عاجزم، گفت:

ای عبدالکریم! آیا در جستجوی مظهر موعود هستی ؟منتظر باش که در سنه ی ستین (شصت) ظاهر می شود.(۲)

۱۱. حسینعلی نوری

حسینعلی نوری (۱۳۰۹ق) بنیانگذار فرقه ی بهاییت بوده که مانند دیگر مدعیان، خواب هایی را برای اثبات ادعای خود مطرح نموده است. نمونه ای از این خواب ها چنین است:

۱- تلخیص تاریخ نبیل، ص ۲۳۰.

۲- تلخیص تاریخ نبیل، ص۱۵۲. جهت دیدن رویاهای دیگر ر. ک: صص ۶۱، ۷۴، ۱۷۹، ۲۳۳، ۲۹۹، ۳۳۸ و ۴۱۰.

[میرزا محمد تقی نوری] برای شاگردان خویش دو فقره رویایی را که درباره حضرت بهاءالله دیده بود و خیلی به آن ها اهمیت می داد، بیان کرد. خواب اول این بود که گفت: در میان جمعی از مردم ایستاده بودم، دیدم همه به منزلی اشاره می کنند و می گویند: حضرت صاحب الزمان در آنجا تشریف دارند؛ من خیلی خوشحال شدم و با سرعت به طرف آن منزل رفتم که زودتر خود را به حضرت برسانم.... از هیئت و خصوصیات مأمورینی که درب منزل ایستاده بودند چنین استنباط کردم که آن شخص جلیل حضرت بهاء الله است. مرتبه دیگر در خواب دیدم که چند صندوق در محلی دور من گذاشته شده، یکی به من گفت: این صندوق ها متعلق به حضرت بهاء الله است، صندوق ها را باز کردم، دیدم همه پر از کتاب است، کتابها را باز کردم، دیدم تمام کلمات و حروفش با جواهر گرانبها نوشته شده و تابش آنها چشم را خیره می کند، نورانیت و تابش آن جواهرها به حدی بود که از شدت حیرت و تعجب، بغتتاً از خواب بیدار شدم. (۱)

۱۲. محمد احمد سودانی

مهدی سودانی (۱۳۰۲ ق)، نام وی محمد احمد بن عبدالله و از سادات حسینی بود. پدرش فقیه بود، اما زمانی که مهدی طفل بود، درگذشت. وی به خارطوم رفت و به تحصیلات مذهبی ادامه داد..... مهدی سودانی در سال ۱۲۸۹ ق (۱۸۸۱ م)، خود را مهدی منتظر معرفی کرده و از فقهای سودان خواست تا از وی حمایت کنند. وی به عبدالله التعایشی -که بعد از او جانشینش شد - گفت:خوابی که دیده او را مهدی منتظر نشان داده و وی نیز در زمره ی نخستین حواریین اوست.... اساس کار وی همین خواب و نیز ادعای شنیدن صداهایی در

۱- تلخیص تاریخ نبیل، ص۹۴. برای دیدن رویای پدر حسینعلی نوری در مورد پسرش ر. ک: ص ۱۰۴.

بیداری (هواتف) بود که وی بر اساس آنها مدعی شد نوعی دعوت مهدیانه و حتی نبوت گونه دارد. (۱)

۱۳. محمد المهدی بن محمد بن علی السنوسی

این فرد ۱۲۶۰-۱۳۲۰) ه ؛ ۱۸۴۴-۱۹۰۲م)فرزند موسس حرکت سنوسیه و دومین رهبر تفکر آنان است. عمویش احمد الشریف السنوسی علّت نامگذاری اش به محمد المهدی را، دستور حضرت محمد صلی الله علیه و آله می داند که در رویا به پدرش نامگذاری محمد المهدی را به او فرمان می دهد و بشارت داد که این فرزند احیا کننده سنت است.(۲)

۱۴. غلام احمد قادیانی

میرزا غلام احمد(۱۹۰۸ میلادی)، بنیانگذار و مسیح موعود جماعت احمدیه است. این فرد آغاز وحی به خود را، در چهل سالگی دانسته و می گوید:

نخست در قالب رویای صادقه بود که به سرخی هنگام طلوع خورشید شباهت داشت، در این دوره نزدیک به دوهزار یا بیشتر رویای صالحه دیدم. برخی از آن ها را در حافظه دارم و بسیاری را از یاد برده ام. (۳)

۱- مهدیان دروغین، ص ۲۰۵.

۲- مختصر الشموس الشارقه والمغاربه، متن این کتاب در این سایت قابل رویت است: www. rubat. com/phpbb/viewtopic. php?p=۵۶۰۵۸ وکان الاستاذ رضی الله عنه یرید أن یسمیه أحمد الا انه بعد دلک حکی للاخوان فقال اتانی الاستاذ السید احمد بن ادریس والاستاد عبد القادر الجیلانی وسیدنا احمد الخضر وا رونی أن أسمیه محمد المهدی فاعتدرت لهم وقلت لهم ان هدا أمر عظیم لاقدره لی علیه ودلک لان کثیرا من أهل الله تحصل لهم البشاره ولم یزل کل واحد منهم یترقب مایبشر به حتلی یأتیه اجله ویکون الامر الواقع بخلافه فسبحان من اختص بعلمه وتدبیره من شاء بما شاء ولایطلع علی غیبه احد الا من ارتضی من رسله ثم قال رضی الله عنه وبعد دلک رأیت رسول الله صلی الله علیه وسلم وقال لی سمه محمد المهدی. فقلت یارسول الله سمعا وطاعه عن یقین وادن منک فقال رسول الله صلی الله علیه وسلم هذا الدی یکون قدمه علی قدمی ویشبه خلقه خلقی ویحی الله به سنتی ویجدد به الله الدین فعند دلک سماه محمد المهدی.

۳- التبلیغ، ص ۱۰۵.

سپس ادعا می کند که در یکی از خواب ها رسول خدا صلی الله علیه و آلهرا در رویا دیده وایشان بعد از اشاره نمودن به کتابی در دستش و خوراندن مقداری عسل به او، به آسمان می روند. او پس از بیداری چنین دریافته که اسلام مرده است و خداوند به دست او که شاگرد مستقیم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، این دین را زنده می کند. (۱)

۱۵. سلطان محمد گنابادی

در مسلک دراویش گنابادی نیز یکی از راه های دست یابی به قطب - که به عنوان فرد ماذون از جانب امام معصوم علیه السلام تلقی می شود-(۲)، رویا بوده و در اثبات آن به خواب سلطان محمد گنابادی(۱۳۲۷ ق) اشاره شده و می گویند:

شعبه یازدهم از شریعت نهم

در این که آن عالم به چه شناخته میشود.

و در آن چند قسم راه و طریق است؟

«و مثل آنکه امام را به صورت او در خواب بینند به نوعی یقین پیدا شود که خواب شیطانی و خیالی نبود، و خواب بیننده خود بهتر داند».

پس از ذکر این سخن، در پاورقی چنین آمده است:

از جناب حاج ملا سلطان محمد نقل است که فرموده: پیش از رسیدن خدمت آقای سعادت علیشاه خواب دیدم به خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام رسیده و آن حضرت قدحی از آب به من مرحمت کرد؛ من تمام آن را آشامیده و چیزی باقی نگذاشتم، پس از آن به هر وسیله خود را به اصفهان رسانیده، پس از شرفیابی خدمت آقای سعادت علیشاه، به همان طور که حضرت را در خواب دیده بودم، ایشان را مشاهده کردم و دیگر

۱- التبلیغ، ص۱۰۶. در این کتاب چندین رویای دیگر را نیز بیان نموده است.

۲- رساله سعادتیه، ص۱۴.

شکّی در حقّانیت ایشان باقی نماند». (۱)

درکتاب دیگری از مشایخ گنابادیه، رویایی بیان شده که گویا به دلیل ایمان عمیق ملا محمد گنابادی، او را در عالم رویا با عنوان و به جای امام زمان علیه السلام نشان داده اند!(۲)

ونیز مرحوم حاج نایب الصدر در سفرنامه خود و گزارش وقایع دیگر یومیه ازتاریخ ۲۷ رمضان ۱۳۱۹ که برای سفر حج حرکت کرد تا پانزدهم رجب ۱۳۳۷ که در مشهد توقف داشته.... در ذکر پنج شنبه چهاردهم ربیع الاول ۱۳۳۴ درباره شیخ ابوالقاسم طبسی نوشته: از جمله ذکر کرده که در مشهد، جناب حاج ملا سلطان علی(۳) از من تفقدی فرمود و چون خواب غریبی دیده بودم، خواستم عرض کنم.......... خواب:

در عالم رویا مشاهده نمودم در بیابان وسیع واقع وجمعی از دور به طرفی می روند و سرودی می خوانند و من هم می خوانم:

لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

شاه مردان شیر یزدان قدرت پروردگار

لشکر امام زمان بعد از نماز در رکاب امام جنگ می نمایند. من گفتم:خصم زیاد است و ما قلیل. رفیقی گفت:امام همه آنها را تمام

۱- سلطان فلک سعادت، چاپ شده در رساله سعادتیه، ص ۴۱. همچنین ر. ک: نابغه علم و عرفان، ص ۵۵. در سعادتیه پیرامون این جزوه چنین آمده است: «کتاب سلطان فلک سعادت، از جمله تألیفات گوناگون جناب حاج ملّا علی نورعلیشاه ثانی از علما و عرفای بزرگ زمان و فرزند و جانشین منصوص حضرت آقای سلطان علیشاه است».

۲- در این کتاب نیز می گویند: «البته این موضوع مشاهده است که در خواب برای ایشان پیش آمده نه آنکه بزرگان ما مدعی امامت باشند.....، ولی چون در بندگی خدا و پیروی از ائمه هدی علیهم السلام به کمال رسیده اند؛ از این رو به صورت مولای خود در خواب مشاهده شده اند». (نابغه علم و عرفان، ص ۲۱۱).

۳- نام اصلی این فرد سلطان محمد گنابادی است که چون ملقب به سلطان علیشاه نیز بوده، گاهی به ملا سلطان علی نیز ذکر می شود.

می کند. گفتم: امام کجا هستند؟ گفت: آن که در هودج است؛ دیدم جناب حاج ملا سلطان علی و طرف فلان مجتهد...(۱)

نیز یکی از مریدان اجازه یافته از طرف قطب سلسله نعمت اللهیه، در بیان شرح حال رضاعلیشاه (قطب سابق)، به رویایی تمسک کرده و می گوید:

در همان جلسه، رویایی راکه در ایام جوانی دیده بودم تداعی شد. این رؤیا که گاهی آن راذکر می کردند این بود که حضرت مولی را زیارت کردم که در مسجد بسیار طولانی تشریف آوردند و اقامه ی جماعت کردند. پس ازختم نماز صبح در بازگشت مچ دست مرا و بازوی شخصی با عمامه و عبا را گرفتند و گفتند: این شخص هادی و مهدی زمان تو است. می گفتند هر چه می گشتم که صاحب آن چهره را بیابم موفّق نمی شدم. تا آنکه در همان سفر به بیدخت آن شخصی را که در رؤیا دیده بودم، زیارت کردم که در جوار حضرت صالح علیشاه جلوس نموده بودند. آن شخص حضرت رضاعلیشاه و در آن زمان از مشایخ حضرت صالح علیشاه بودند.(۲)

۱۶. میرزا حسن صفی علیشاه

در کشف اجازه نامه بهره گیری از قطب، میرزا حسن صفی علیشاه(۱۳۱۶ق) به خواب استناد کرده و می گوید:

در کتاب نابغه ی علم و عرفان در دو جا به این امر اشاره دارد. اول: در نقل قول از مرحوم موثّق السلطان جلالی راد می نویسد: مرحوم میرزاعلی آقا صدرالعرفا فرزند حضرت مست علیشاه در یکی از سفرها که عازم گناباد بود، چون به تهران ورود نمود به منزل سراج الملک وارد شد. حاجی میرزا حسن صفی علیشاه

۱- نابغه علم و عرفان، ص ۲۱۰.

۲- http://rasti۱۲۱.wordpress.com/۲۰۱۱/۰۹/۱۶/jenabe-mardani/.

اطلاع یافته، اجازه ملاقات خواست، ایشان هم اجازه داد. حاجی میرزا حسن از ایشان دیدن نمود و نهایت احترام و کوچکی کرد. عرض کرد: چرا به خانقاه خودتان ورود نفرموید؟ ایشان پرسیده بودند: خانقاه خودمان کجاست؟ عرض کرد: همان چراغی که پدر بزرگوارتان روشن فرموده. جواب دادند: آن چراغ فعلاً در گناباد روشن است. آن گاه از حاج میرزاحسن پرسیده بودند که نسب طریق و اجازه شما به کدام یک از بزرگان می رسد؟ پس از قدری تأمل جواب داده بود: در خواب از مولا علی علیه السلام. ایشان گفته بود بسیار خوب پس دیگر با هم صحبتی نداریم.(۱)

و در جای دیگر می گوید:

و بالاخره آقای حاج آقا محمد، حاج میرزا حسن صفی علیشاه را از مقام خود برکنار کرد. مرحوم صفی اظهار داشت: ایشان نیز دارای اجازه و سمت رسمی از جناب رحمت علیشاه نبوده، صاحب اجازه حاج آقا محمد کاظم اصفهانی است و خود اظهار نمود که در خواب از طرف جناب رحمت علیشاه مأمور دستگیری و هدایت گردیدم.(۲)

۱۷. فتح الله جیحون آبادی معروف به نور علی الهی

فتح الله جیحون آبادی (۱۳۵۳ ش) مشهور به نور علی الهی، از بنیانگذاران شاخه ای از فرقه های اهل حق است.(۳) او دلیل اعتبار بدعت دینی خود را، رویا و تایید حضرت علی علیه السلام بر آن دانسته و می گوید:

بعد از آن که در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی بازنشسته بودم، برآن

۱- همان، ص ۲۶.

۲- همان.

۳- ر. ک: مقدمه آثار الحق، بهرام الهی.

شدم که در منزل بنشینم و فقط مطالعه کنم، سال بعدش که به زیارت عتبات رفتم، مناجاتم این بود:

خداوندا! می خواهم تحت توجه تو یک دینی داشته باشم که واقعی و خدا پسندانه باشد تا شعار خود قرار دهم و به آن عمل کنم. شب در خواب حضرت علی علیه السلام را دیدم، به من فرمود: دین تو ابداعی است ولی نیک ابداعی است. در این موقع پرده عوض شد و دیدم دو نفر آمدند با هم صحبت می کنند؛ یکی به دیگری می گفت: ابداعی معنایش این است که فلان کس [نور علی الهی] پیغمبر هم شد و هرچه خواهد خواست خداست.(۱)

۱۸. محمد بن عبدالله قحطانی و جهیمان العتبی

در تاریخ اول محرم ۱۴۰۰ ق در مکه، فردی با نام" جهیمان عتبی " از شیوخ سلفی و وهابی مقیم عربستان و معرفی کننده" محمد بن عبدالله قحطانی" به عنوان مهدی موعود آشوب یک هفته ای در مکه به راه انداخت.

جهیمان در اثبات ادعاهای خود پیرامون مهدویت محمد بن عبدالله، می گوید:

دو سال است که برادران، او را به عنوان مهدی می شناسند........ به شما بشارت می دهم که بارها خواب ها در باره خروج مهدی دیده شده و کسانی خواب دیده اند که این مهدی را ندیده بودند. وقتی دیدند، تایید کردند که همان است که در خواب دیده اند. او حدیثی هم از پیامبر در تایید خواب خواند که فرمود: "لم یبق من الوحی الا المبشرات:الرویه الصالحه..... "؛ از وحی چیزی جز مبشرات که همان رویای صالحه است، باقی نمانده است. خوابی

۱- آثار الحق، ج۱، ص ۶۴۵، گفتار ۱۹۴۳. همین مطلب را در ص ۶۴۴ گفتارهای ۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ نیز تکرار نموده است.

که مومن می بیند یا برای او می بینند.(۱)

۱۹. الحسین بن موسی اللحیدی

این فرد از مـدعیان اهل سـنت و متولـد کویت است که در سال ۱۹۹۱ میلادی ادعای مهـدویت خود را علنی کرد. او نیز مانند دیگر مـدعیان یکی از روش هـای خـود را رویـا قرار داده و بر این بـاور است که حضـرت محمـد صـلی الله علیه و آله بشـارت مهدوی بودن را به او داده است.(۲)

۲۰. احمد بن اسماعیل بصری

این فرد در کتـاب هـا، بیـانیه ی صوتی و سـایت رسـمی خود خواب را روشـی از غیب و نزدیـک ترین راه برای تشـخیص امام معصوم دانسته و می گوید:

أقصر طریق للإیمان بالغیب هو الغیب، اسألی الله بعد أن تصومی ثلاثه أیام وتتوسلی بحق فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله أن تعرفی الحق من الله بالرؤیا أو الکشف أو بأی آیه من آیاته الغیبیه الملکوتیه سبحانه وتعالی؛(۳) کوتاه ترین راه برای ایمان به غیب، استفاده از خود غیب است. پس از سه روز روزه داری متوسل به حضرت زهرا۸ شوید، و از خدا بخواهید که حق را در عالم رویا، مکاشفه و یا به وسیله ی یکی از نشانه های غیبی اش به شما نشان دهد.

در روشـی دیگر نیز، خوانـدن دعایی به مـدت چهل شب را پیشـنهاد داده و آن را مقدمه ای برای کشف حقیقت از طریق رویا می داند.(۴)

۱- مهدیان دروغین، ص۲۵۲.

۲- ر. ک. نـور الغـائب، ص ۲۰۷ و ۲۱۱ ، http://muntada. islamtoday. net/t۷۵۸۹۷. html(فضح الطائفه اللحیدیه)، www. almahdy. net/vb/index.

۳- الجواب المنیر، ج۱، ص ۷.

۴- بشارتی، ص۲۴.

۲۱. حیدر مشتت

این فرد از جمله مدعیان یمانی در عراق بود که کتاب های خود را با عنوان (السید ابو عبد الله الحسینی القحطانی) منتشر کرد. مهمترین کتاب این فرد موسوعه القائم بوده و در آن دلایل خود را مطرح می کند. آیت الله کورانی در مورد ادعای این فرد می گوید:

«حیدر مشتت حدود ده سال قبل از مرگش به قم و پیش من آمد و سوالاتی در مورد امام مهدی علیه السلام از من پرسید. بعد از سقوط صدام نیز پیش من آمد و تقاضا کرد تا ادعای یمانی بودن او را بپذیرم. در ملاقات دیگری که آخرین ملاقات با او بود، گفت:

من فرستاده ای از طرف مهدی علیه السلامهستم. ! و دو نامه، یکی برای تو و دیگری برای رهبر انقلاب سید علی خامنه ای دارم.

من در جواب گفتم: عجله نکن ! آیا تو امام مهدی علیه السلام را ملاقات کرده ای، و ایشان نامه ای داده که به من برسانی؟ او جواب داد: بله.

بعد من او را نصیحت کردم و قصه معجزه طلبیدن پدر شیخ صدوق از حلاّج را نقل کردم و گفتم: نمی توانم نامه ات را بپذیرم و حرفت را قبول کنم و اگر می توانی معجزه ای برای من بیاور؟ حیدر گفت: چه معجزه ای می خواهی؟

گفتم: همان معجزه ای که صدوقِ اول، از دجّال زمان خود حلاّج خواست! این ریش های سفیدم را گرفته و مرا به دوران جوانی برده، ریش های سیاه عطا کن!!

حیدر مشتت شگفت زده گفت: می خواهی کاری کنم تا خواب ببینی و ایمان بیاوری؟ من گفتم: به هیچ وجه؛ با دیدن بیست خواب هم ایمان نمی آورم. آیا باید دینمان را از خواب بگیریم؟!»(۱)

۱- دجال البصره، ص ۴۷.

۲۲. نبیل عبدالقادر اکبر

وی متولّد ۱۹۸۵م در طائف است که در سال ۱۹۹۵ م دکترای ژئو فیزیک از دانشگاه استنفورد آمریکا را دریافت کرد. او نیز علاوه بر استفاده از حروف ابجد و محاسبات ریاضی، خواب را از جمله دلایل خود قرار داده و بشارت های مطرح شده در رویا را دلیل بر حقانیت و اعلام دعوتش می داند.(۱)

۲۳. شایعه تولد امام مهدی علیه السلام با تعبیر خواب از منظر اهل سنت

یکی از اختلاف های بیشتر عالمان سنّی با شیعیان در این است که حضرت مهدی علیه السلام تا کنون به دنیا نیامده و حدود چهل سال قبل از ظهورش متولد می شود. از این روی تولد حضرت مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ هجری قمری را نمی پذیرند. به این جهت در میان مدعیان و دروغگویان اهل سنت با تمسک به رویایی، تولد حضرت مهدی علیه السلام را بر مبنای اهل سنت شایعه کردند. در این خصوص در مصر شایعه شده که در یک برنامه ی تلویزیونی زنی با شیخ محمد الحنفی تماس گرفته و بعد از تعریف رویای خود، شیخ او را به صحت خوابش قسم داده و پس از اطمینان از درستی خوابش آن را به تولد حضرت مهدی علیه السلام تفسیر کرده است. این شایعه در حالی است که علاوه بر مخالف بودن با دیدگاه شیعه و تعدادی از علمای اهل سنت -که میلاد حضرت مهدی را در سال ۲۵۵ ق می دانند-(۲) از طرف شیخ محمود الحنفی نیز تکذیب شده است.(۳)

۱- نور الغائب، ص ۲۴۱.

۲- ر. ک: البیان، محمد بن طلحه شافعی. این عالم اهل سنت در این کتاب برخی شبهات در عدم امکان زندگانی طولانی حضرت مهدی علیه السلام را پاسخ داده است.

۳- نور الغائب، ص ۲۳۰.

بخش دوم: ادعاهای قرآنی برخی مدعیان دروغین، در بهره گیری از رویا جهت تشخیص حجت الهی

اشاره

دلایل ادعا

این جریان ها و در میان آن ها احمد اسماعیل بصری به آیاتی از قرآن استناد کرده(۱) که می توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد:

الف)آیاتی که به صورت کلی به وجود و اعتبار رویای صادقه پرداخته و عموماً درباره ی انبیاء است

، مانند:

۱. وَ نَادَیْنَاهُ أَن یا إِبْرَاهیمُ قدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْیا إِنَّا كذلكَ نَجْزی الْمُحْسِنینَ.(۲)

و ابراهیم را ندا دادیم رؤیا را تصدیق کردی، همانا ما به این ترتیب تو را پاداش می دهیم.

۲. یوسُفُ أَیهَا الصِّدِّیقُ أَفْتنَا فی سَبْع بَقَرَاتٍ سمَانٍ یأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عجَافٌ وَ سَبْع سُنْبُلاتٍ خُضْر وَ أُخَرَ یابِسَاتٍ لعَلِّی أَرْجعُ إِلی النَّاس لعَلَّهُمْ یعْلَمُون.(۳)

ای یوسف! ای راستگو! به ما خبر ده از خوابی به این مضمون: هفت گاو درشت را هفت گاو لاغر خوردند و هفت خوشه ی سبز که پس از آن هفت خوشه ی زرد آمد تا شاید به سوی مردم بازگردم؛ باشدکه بدانند.

۳. وَ إِذْ قُلْنَا لكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاط بِالنَّاس وَ مَا جَعَلنَا الرُّؤْیا الَّتی أَرَینَاكَ إِلَّا فتْنَه للنَّاس وَ الشَّجَرَه الْمَلْعُونَه فی الْقرْآن وَ نُخَوِّفُهُمْ فمَا یزِیدُهُمْ إِلَّا طُغْیانًا كَبِیرًا.(۴)

و آن گاه که به تو گفتیم همانا پروردگارت به مردم احاطه دارد و رؤیایی که نشانت دادیم نبود، مگر فتنه ای برای مردم و نبود مگر درختی لعنت شده در قران و آنان را می ترسانیم؛ پس جز طغیان بزرگ بر آنان نمی افزاید.

۱- جهت دیدن استدلال این فرد به آیات ذیل ر. ك: المتشابهات، ج ۴، ص۴۸، س ۱۴۵.

۲- صافات، ۱۰۴-۱۰۵.

۳- یوسف، ۴۶.

۴- اسراء، ۶۰.

۴. أَلا ـ إِنَّ أَوْلِیاءَ اللَّهِ لا خَوْفٌ عَلَیهِمْ وَلا هُمْ یحْزَنُونَ * الَّذِینَ آمَنُوا وَکَانُوا یتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَی فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَفِی الْآخِرَهِ لا تَبْدِیلَ لِکَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ * وَلا یحْزُنْکَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّهَ لِلَّهِ جَمِیعاً هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ.(۱)

آگاه باشید! به یقین دوستان خدا نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. آنان که ایمان آورده و همواره پرهیزکاری دارند آنان را در زندگی دنیا و آخرت مژده و بشارت است.(۲) و در کلمات خدا هیچ دگرگونی نیست؛ این است کامیابی بزرگ و گفتار مخالفان، تو را غمگین نکند؛ زیرا همه ی عزت و توانمندی برای خداست؛ او شنوا و داناست.

بررسی

این آیات، اصل رویای صادقه و امکان تعبیر برخی خوا بها را بیان می کند و بیش از این سخنی نمی گویند. این شواهد، اعم از مدعای افرادی است که می خواهند رویا را روشی در تشخیص حجت الهی بدانند. از این روی نمی توان با استدلال به این آیات، ادعای تشخیص حجت الهی به وسیله ی رویا را مطرح کرد.

ب)آیه های ادعا شده به صورت خاص، اشاره به استفاده از خواب و رویا برای تشخیص حجت الهی دارد.

۱. سوره نمل، آیه ۲۶

۱. قَالَتْ یا أَیهَا الْمَلأُ إِنِّی أُلْقِی إِلَی کِتَابٌ کَرِیمٌ.(۳)

«ملکه سبأ گفت: «ای بزرگان! نامه مهمّی برای من رسیده».

۱- یونس، ۶۲-۶۵.

۲- رسول الله صلی الله علیه و آله درباره آیه: لَهُمُ الْبُشْرَی فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا * برای آنها بشارت است در زندگانی دنیا. فرمود: آن رؤیای صادقه است که مؤمن برای خودش ببیند یا این که برای او ببینند. (بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۹۱).

۳- نمل، ۲۶.

وجه استدلال

برخی مدعیان جهت ادعای خود آیه را چنین تحلیل نموده اند:

و قرآن بر ما قصه بلقیس، ملکه ی سبا را می خواند و او در عالم رؤیا دانست که سلیمان علیه السلام نبی خداست؛ پس رؤیایش را راست پنداشت و در نهایت ایمان آورد. و از کجا دانست که این نامه نامه ای بزرگ است مگر از راه خدا و رویا و کشف؟(۱)

و گویا استدلالشان این است که چون راهی برای اطلاع از کریم بودن نامه نیست، پس حتما در خواب از آن آگاهی یافته است.

نقد

۱. این آیه، کمترین ارتباطی با مباحث رویا ندارد وخوابی در کار نبوده است تا این که بخواهد دلیلی بر حجیت رویا برای تشخیص حجت الهی باشد و چگونگی برداشت از این آیه روشن نیست؟ در حالی که بنابر صریح آیات قبل و بعد، نامه ای به وسیله ی هدهد به بلقیس داده شده و او پس از مشورت با وزرای خود تصمیم به دیدار با سلیمان نبی گرفته و بعد از دیدن معجزات آن حضرت، به خدای بلند مرتبه ایمان می آورد.

و در قرآن چنین می فرماید:

((فَلَمَّا جاءَتْ قيلَ أَ هكَذا عَرْشُكِ قالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَ أُوتينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِها وَ كُنَّا مُسْلِمينَ وَ صَدَّها ما كانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّها كانَتْ مِنْ قَوْمٍ كافِرينَ قيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَ كَشَفَتْ عَنْ ساقَيْها قالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَواريرَ قالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ)) (۲)

۱- المتشابهات، ج ۱-۴، ص ۲۳۶ ذیل سوال ۱۴۵؛ نصیحه الی طلبه حوزات العلمیه، ص ۱۸؛ جامع الادله، ص ۳۱۱؛ الرویا فی مفهوم آل البیت علیهم السلام، ص ۴۳؛ ادله جامع یمانی، ص۵۹ ؛ دابه الارض و طالع المشرق، ص ۵۰.

۲- نمل، ۴۲-۴۴.

« پس چون (ملکه سبا) آمد گفته شد: آیا تخت تو نیز این چنین است؟ گفت: گویی این همان است و پیش از این به ما آگاهی (از قدرت سلیمان) داده شده بود و از تسلیم شدگان بودیم».

و او را آنچه به جای خدا می پرستید (از ایمان به خدا و پرستش او) بازداشته بود، زیرا او از گروه کافران بود.

به او گفته شد: به حیاط قصر داخل شو، پس چون حیاط قصر را دید، گمان کرد آب زیادی است؛ پس دامن جامه را از ساق های خود بالا زد، (سلیمان) گفت: (این که می بینی) حیاط صاف و ساده ای است از شیشه، گفت: پروردگارا! من (تا به حال) به خود ستم کرده ام و اینک در برابر پروردگار جهانیان همراه سلیمان، اسلام آوردم. (دیدن عظمت قصر و سابقه امر هدهد و آوردن تخت سبب اسلام او شد).

۲. از طرف احمد بصری و هوادارانش، هیچ دلیلی بر ادعای اینکه کریم بودن کتاب را از طریق رویا به دست آورده، ارائه نشده است،(۱) و این سخن که چون نمی دانیم بلقیس چگونه کریم بودن نامه را فهمیده، پس از طریق رویا بوده، سخنی مضحک و بی منطق است.

۳. مفسرین احتمالات متعددی را در تبیین این آیه بیان کرده اند. مانند:

الف) بلقیس نامه را دارای خیر و برکت برای مردمش تلقی کرد.(۲)

ب) از سوی فردی کریم است که انس، جن و پرندگان از او پیروی می کنند.(۳)

ج) پایان این نامه مهر داشت، و استناد به این روایت شده است:

۱- ر. ک: جامع الادله، ص ۳۱۱.
۲- التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۹۲.
۳- همان ؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۴۳.

«إکرام الکتاب ختمه»(۱)

د) ابتدای نامه با (بسم الله الرحمن الرحیم) بوده است.(۲)

ه) علّت نام بردن به صفت کریم، خط زیبای آن بود.(۳)

و) معانی بلند نامه، حسن کلام و عدم اهانت به طرف مقابل، دلالت بر کرامت نامه داشته است.(۴)

علاّمه طباطبایی پس از بیان قولهای گوناگون، دلیل کرامت را عظمت سلیمان و محتوای نامه دانسته و در تبیین آیه چنین می فرماید:

و ظاهر آیه دوم این است که می خواهد علت کریم بودن آن را بیان کند؛ می گوید: علت کرامتش این است که این نامه از ناحیه ی سلیمان است، چون ملکه ی سبأ از جبروت سلیمان خبر داشت و می دانست که چه سلطنت و شوکت باشکوهی دارد، به شهادت این که در چند آیه ی بعد از ملکه سبأ حکایت می کند که وقتی عرش خود را در کاخ سلیمان دید، گفت: «وَ أُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِها وَ كُنَّا مُسْلِمِينَ ؛ ما از قبل از شوکت سلیمان خبر داشتیم و تسلیم او بودیم.

وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ؛ یعنی این نامه به نام خدا آغاز شده و به این جهت نیز کریم است. آری، بت پرستان وَثَنی، همگی به وجود خدای سبحان قائلند، ولی او را ربّ الأرباب دانسته، نمی پرستیدند؛ چون خود را کوچک تر از آن می دانستند. آفتاب پرستان نیز، وثنی مسلک، و یکی از تیره های صابئین بودند، که خدا و صفاتش را احترام می کردند. چیزی که هست صفات او را

۱- مجمع البیان، ج ۷، ص۳۴۳.

۲- همان.

۳- همان.

۴- جمع الجوامع، ج۳ ص۱۵۲؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۰، ص ۴۸.

به نفی نواقص و نیستی ها برمی گردانیدند؛ مثلاً علم و قدرت و حیات و رحمت را به نبود جهل و عجز و مرگ و قساوت تفسیر کرده اند. پس به صورت قهری وقتی نامه، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم باشد نامه ای کریم می شود، چنان که بودن آن از ناحیه سلیمان عظیم نیز، اقتضاء می کند که نامه ای کریم بوده باشد».(۱)

۴. باید به این نکته هم توجه کردکه، بحث ما در تشخیص حجت الهی به وسیله ی رویاست؛ و این آیه خارج از موضوع بحث است. چرا که سرانجام اثبات دقت متن و محتوای یک نامه را توسط رویا تذکر می دهد.

۲. سوره یوسف، آیه ۵

۲. إِذْ قالَ یُوسُفُ لِأَبِیهِ یا أَبَتِ إِنِّی رَأَیْتُ أَحَدَ عَشَرَ کَوْکَباً وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَیْتُهُمْ لِی ساجِدِین قَالَ یا بُنَی لاَ تَقْصُصْ رُؤْیاکَ عَلَی إِخْوَتِکَ فَیکِیدُواْ لَکَ کَیداً إِنَّ الشَّیطَانَ لِلإِنسَانِ عَدُوٌّ مُّبِینٌ.(۲)

یعقوب گفت: ای فرزند عزیزم! خواب خود را بر برادران حکایت مکن (که به اغوای شیطان) بر تو مکر و حسد می ورزند؛ زیرا دشمنی شیطان بر آدمیان بسیار آشکار است.

وجه استدلال

«آیا قرآن را نخوانده و در داستان یوسف نیندیشیدیدکه چگونه یعقوب علیه السلام در حالی که پیامبر خداست و در قرآن – که کتاب خداست- رؤیای یوسف را دلیل تشخیص و مصداق خلیفه خدا - که آن یوسف بود- معتبر دانست و یوسف را بر حذر داشت که این خواب را به برادران خود نگوید؛ زیرا که با این رؤیا او را شناخته و.... آیا این اقرار قرآن به حجیت خواب در تشخیص

۱- المیزان، ج۱۵ ص۳۵۹. همچنین ر. ک: مجمع البحرین، ج ۶، ص۱۵۲.
۲- یوسف، ۵.

مصداق خلیفه خدا در زمین نیست؟»(۱)

«در این جا می بینیم که رؤیای یوسف علیه السلام نه تنها برای خود او، بلکه برای پدرش یعقوب علیه السلام -که از پیامبران و حجتهای معصوم خداوند است - راهی برای شناخت حجت است. زیرا حضرت یعقوب با دیدن این رؤیا از سوی حضرت یوسف علیه السلام او را از برگزیدگان پروردگار و در زمره ی دیگر حجتهای خدا؛ یعنی ابراهیم علیه السلام و اسحاق علیه السلام می بیند. نیز گفتار یعقوب علیه السلام به یوسف علیه السلام- که خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن چون برای تو نقشه خطرناک می کشند- نشانه ی آن است که رؤیای صادقه از راه های شناخت حجت برای مردم نیز بوده است؛ زیرا با این خوابی که وی دیده بود، برادرانش پی به حجت بودن او می بردند».(۲)

خلاصه ادعای طرف مقابل چنین است:

الف) حضرت یعقوب نمی دانست که یوسف وصی و نبی بعد از اوست و این مهم را بعد از رویای یوسف به دست آورد.

ب) برادران یوسف با این خواب می توانستند نبوت یوسف را بفهمند.

در نتیجه خواب می تواند راه شناخت حجت الهی باشد.

نقد

در مورد رویای حضرت یوسف نیز اشتباه در تفسیر آیه صورت گرفته و با

۱- ر. ك:خطبه ۵، محرم ۱۴۳۲ از احمد بصری. (این خطبه به صورت جزوه نیز ترجمه و چاپ گردیده).

۲- بین یدی الصیحه، ص ۵۶ و ۶۰؛ ادله جامع یمانی، ص۶۲ و نرم افزار(کتابخانه یمانی موعود)، قسمت ادله دعوت برای شیعیان، موضوع شماره ۴۱(رویای صادقه). زکی الانصاری در کتاب خود می گوید: «إن الرائی یوسف علیه السلام رأی هذه الرؤیا قبل أن یبعث، وعندما قصها علی أبیه یعقوب عرف یعقوب عنها أن هذه رساله السماء إلیه تبین له أن الحجیه ستنتقل منه إلی ابنه یوسف وستکون له الولایه علی أبیه».

توجه به مطرح شدن حرفی اشتباه، سعی در اثبات ادعای خود دارند.

۱. دلیلی نداریم که مراد از رویای یوسف علیه السلام، بشارت بر نبوت او باشد؛ بلکه بنا بر تصریح قرآن کریم این رویا، پیش گویی واقعه ای خارجی بوده که همان پاسداشت برادران، پدر و خاله یوسف در شهر مصر و برای اوست. از این روست که در ادامه ی آیات، یوسف علیه السلام خطاب به پدر بزرگوار خود (پس از سجده ایشان و برادرانش) فرمود:

« یا أَبَتِ هذا تَأْوِیلُ رُءْیایَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَها رَبِّی حَقًّا»(۱)

این مطلب را روایتی از اهل بیت علیهم السلام نیز تایید می کند و می فرماید:

عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: تَأْوِیلُ هَذِهِ الرُّؤْیَا أَنَّهُ سَیَمْلِکُ مِصْرَ وَ یَدْخُلُ عَلَیْهِ أَبَوَاهُ وَ إِخْوَتُهُ، أَمَّا الشَّمْسَ فَأُمُّ یُوسُفَ رَاحِیلُ وَ الْقَمَرَ یَعْقُوبُ وَ أَمَّا أَحَدَ عَشَرَ کَوْکَباً فَإِخْوَتُهُ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَیْهِ سَجَدُوا شُکْراً لِلَّهِ وَحْدَهُ حِینَ نَظَرُوا إِلَیْهِ وَ کَانَ ذَلِکَ السُّجُودُ لِلَّهِ؛(۲)

امام باقر علیه السلامدر باره تأویل این رؤیا فرمود: یوسف به زودی پادشاه مصر شده و پدر و مادر و برادرانش بر او وارد می شوند. امّا خورشید مادر یوسف راحیل، و قمر پدر او یعقوب، و ستاره ها برادران اویند که وقتی در مصر بر او وارد می شوند، سجده شکر الهی را بجا آورده و از هیبت و جمال یوسف، پروردگار را سپاس می گویند و این سجده برای خداوند بوده نه برای یوسف.

۲. نه تنها دلیلی بر مستند بودن خواب حضرت یعقوب برای وصایت حضرت یوسف در دست نیست، بلکه دلیل داریم که حضرت یعقوب علیه السلام بنابر علم نبوت خود از آینده ی یوسف و وصایت او با خبر بوده و آن را به یوسف بشارت می

۱- یوسف، ۱۰۰؛ بحار الانوار، ج۱۲، صص۲۵۱و ۲۱۷.

۲- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۴۰.

دهد.

شاهد بر این مطلب روایت مفضّل بن عمر است؛ او می گوید:

«امام صادق علیه السلام به من فرمود: می دانی پیراهن یوسف علیه السلام چه بود؟ عرض کردم: نه.

فرمود: چون برای ابراهیم علیه السلام آتش افروختند؛ جبرئیل علیه السلام جامه ای از جامه های بهشت برایش آورد؛ او پوشید و با آن جامه گرما و سرما به ابراهیم زیانی نمی رسانید؛ هنگامی که مرگ ابراهیم فرارسید، آن را در غلافی نهاد و به اسحاق آویخت و اسحاق آن را به یعقوب آویخت و چون یوسف علیه السلام متولد شد، آن را بر او آویخت و در بازوی او بود تا امرش به آنجا که باید می رسید (به حکومت مصر رسید) و چون یوسف آن را در مصر از غلاف بیرون آورد، یعقوب بوی خوش آن را دریافت و همین است که گوید: «اگر سفیهم نمی خوانید من بوی یوسف را احساس می کنم»(۱) و آن همان پیراهنی بود که خدا از بهشت فرستاده بود.

عرض کردم: قربانت گردم آن پیراهن به چه کس رسید؟ فرمود: به اهلش؛ سپس فرمود: هر پیغمبری که دانش یا چیز دیگری را به ارث گذاشته [دریافته] به آل محمد صلی الله علیه و آله رسیده است».(۲)

این روایت، بیانگر به ارث رسیدن پیراهن ابراهیم علیه السلام به اوصیا و انبیا بوده، و یعقوب علیه السلام پس از تولد یوسف علیه السلام، این پیراهن را به گردن او می آویزد و

۱- یوسف، ۱۲.

۲- کافی، ج۱، ص۲۳۲؛کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص۱۴۳؛ علل الشرایع، ج۱، ص۵۳. «مُحَمَّدٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ أَبِی إِسْمَاعِیلَ السَّرَّاجِ عَنْ بِشْرِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ أَ تَدْرِی مَا کَانَ قَمِیصُ یُوسُفَ علیه السلام قَالَ قُلْتُ لَا قَالَ إِنَّ إِبْرَاهِیمَ ع لَمَّا أُوقِدَتْ لَهُ النَّارُ أَتَاهُ جَبْرَئِیلُ علیه السلام بِثَوْبٍ مِنْ ثِیَابِ الْجَنَّهِ فَأَلْبَسَهُ إِیَّاهُ فَلَمْ یَضُرَّهُ مَعَهُ حَرٌّ وَ لَا بَرْدٌ فَلَمَّا حَضَرَ إِبْرَاهِیمَ الْمَوْتُ جَعَلَهُ فِی تَمِیمَهٍ وَ عَلَّقَهُ عَلَی إِسْحَاقَ وَ عَلَّقَهُ إِسْحَاقُ عَلَی یَعْقُوبَ فَلَمَّا وُلِدَ یُوسُفُ علیه السلامعَلَّقَهُ عَلَیْهِ فَکَانَ فِی عَضُدِهِ حَتَّی کَانَ مِنْ أَمْرِهِ مَا کَانَ فَلَمَّا أَخْرَجَهُ یُوسُفُ بِمِصْرَ مِنَ التَّمِیمَهِ وَجَدَ یَعْقُوبُ رِیحَهُ وَ هُوَ قَوْلُهُ- إِنِّی لَأَجِدُ رِیحَ یُوسُفَ لَوْ لا أَنْ تُفَنِّدُونِ فَهُوَ ذَلِکَ الْقَمِیصُ الَّذِی أَنْزَلَهُ اللَّهُ مِنَ الْجَنَّهِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ فَإِلَی مَنْ صَارَ ذَلِکَ الْقَمِیصُ قَالَ إِلَی أَهْلِهِ ثُمَّ قَالَ کُلُّ نَبِیٍّ وَرِثَ عِلْماً أَوْ غَیْرَهُ فَقَدِ انْتَهَی إِلَی آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله».

یوسف علیه السـلام، میراث دار پیراهن ابراهیم علیه السـلام می شود. و بایـد توجه داشت که این پیراهن جز در اختیـار وصـی و حجت الهی قرار نمی گرفته است. و در حال حاضـر این پیراهن، در اختیار آخرین وصـی موجود، حضـرت مهدی علیه السـلام است.(۱)

از این رو در آیه ی شریفه ((وَ کَذلِکَ یَجْتَبِیکَ رَبُّکَ وَ یُعَلِّمُکَ مِنْ تَأْوِیلِ الْأَحادِیثِ وَ یُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکَ وَ عَلی آلِ یَعْقُوبَ کَما أَتَمَّها عَلی أَبَوَیْکَ مِنْ قَبْلُ إِبْراهِیمَ وَ إِسْحاقَ إِنَّ رَبَّکَ عَلِیمٌ حَکِیم))(۲)، قبـل از بیـان نبوت و افـاضه ی علم تعبیر خواب برای یوسف، عبارت(کذلک) را از زبان حضـرت یعقوب علیه السلامآورده که مراد از آن اکرام یوسف به وسیله ی برادران است. و از عبـارت (یجتبیک) به بعـد، تعبیر رویای یوسف نیست، بلکه بشارت حضـرت یعقوب به یوسف است و بنابر علم نبوّتش او را از آینده ی خود آگاه می کنند.

از نگاه امین الاسلام طبرسی، علاّمه ی مجلسی و دیگران معنای آیه چنین است:

«وَ کَذلِکَ» أی کمـا أراک هـذه الرؤیـا تکرمه لـک و بین أن إخوتک یخضـعون لک أو یسـجدون لک؛ «یَجْتَبِیکَ رَبُّکَ» أی یصـطفیک ربـک و یختارک للنبوه... ؛(۳) همـان گـونه کـه خداونـد تـو را به خـوابی بزرگ بشـارت داد و اکرام برادرانت را گوشزد کرد، بدان که در آینده نیز تو را به عنوان پیامبرش بر می گزیند....

۳. ادعای این مطلب، که برادران یوسف از راه خواب به نبوت او پی برده و

۱- « فَرُوِیَ أَنَّ الْقَـائِمَ علیه السـلام إِذَا خَرَجَ یَکُونُ عَلَیْهِ قَمِیصُ یُوسُفَ وَ مَعَهُ عَصَا مُوسَـی وَ خَاتَمُ سُـلَیْمَانَ علیه السـلام ». (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص۱۴۴). همچنین ر. ک: الصراط المستقیم، ج۲، ص۲۵۳؛ روضه المتقین، ج۵، ص۴۷۷ و مشابه این مطلب کافی، ج۱، ص۲۳۲.

۲- یوسف، ۵.

۳- مجمع البیان، ج۵ ص۳۲۱؛ بحار الانوار، ج۱۲، ص۲۱۹.

تصمیم به قتل او گرفتند(۱)، سخنی بی دلیل است که آیه ی قرآن و برخی از روایات، خلاف آن را بیان کرده اند.

آنچه از آیات و روایات به دست می آید، عنایت ویژه یعقوب علیه السلام به یوسف علیه السلام است. و این توجه و محبت پیش از دیدن خواب یوسف بوده است ؛ و از طرف دیگر، ظاهر رویای دیده شده، صراحت در عظمت یوسف نسبت به برادرانش دارد، و این فهم اندک از رویای یوسف نیاز به علم تعبیر ندارد. در نتیجه حسادت برادران برانگیخته می شد و حضرت یعقوب با توجه به این فهم، یوسف علیه السلام را از بیان آن برحذر داشت.

در روایات و آیه ی شریفه، علت هایی بیان شده که هیچ یک اشاره به فهم نبوت از طریق رویا! و سپس حسادت به یوسف ندارد.

عَنْ أَبِی جَعْفَر علیه السلام:

... وَ کَانَ یُوسُفُ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ وَجْهاً وَ کَانَ یَعْقُوبُ یُحِبُّهُ وَ یُؤْثِرُهُ عَلَی أَوْلَادِهِ فَحَسَدَهُ إِخْوَتُهُ عَلَی ذَلِکَ وَ قَالُوا فِیمَا بَیْنَهُمْ کَمَا حَکَی اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ إِذْ قالُوا لَیُوسُفُ وَ أَخُوهُ أَحَبُّ إِلی أَبِینا مِنَّا وَ نَحْنُ عُصْبَه... ؛(۲)امام باقر علیه السلام فرمود: چهره یوسف بسیار زیبا بود و یعقوب او را بیشتر از فرزندان دیگرش دوست می داشت. از این رو برادران بر وی حسادت کرده و بنابر آیه قرآن چنین گفتند: هنگامی که [برادران او] گفتند: «یوسف و برادرش نزد پدرمان از ما -که جمعی نیرومند هستیم- دوست داشتنی ترند. بیقین پدر ما در گمراهی آشکاری است.

امام سجاد علیه السلام نیز می فرماید:

اولین بلایی که بر یعقوب و اهل بیتش وارد شد، حسدی بود که

۱- بین یدی الصیحه، ص۵۶. جهت دیدن این روایت که یوسف رویایش را برای برادرانش بیان کرد. ر. ک:تفسیر عیاشی، ج۲، ص ۱۶۹.

۲- تفسیر قمی، ج۱، ص ۳۴۰.

برادران یوسف پس از شنیدن خواب بر او بردند. امام علیه السلام فرمودند: رقّت و عطوفت یعقوب بر یوسف پس از آن زیاد شد و پیوسته بیم داشت آنچه را که حقّ (عزّوجلّ) به او وحی نموده و وی را آماده برای بلا- گردانده، موردش تنها یوسف باشد؛ از این رو در بین فرزندان به یوسف رقّت و مهربانی فوق العاده ای نشان می داد. برادران با دیدن این صحنه های تکریم نسبت به یوسف علیه السلام برایشان گران تمام شد و بلا و گرفتاری در بینشان پدیدار شد؛ از این رو به مشاوره پرداخته و گفتند: با این که ما چندین برادر هستیم، پدر چنان دلبسته ی یوسف شده که او را تنها بیش از همه ی ما دوست دارد و اشتباه او در دوستی یوسف به خوبی روشن است؛ باید یوسف را کشته یا در دیاری دور از پدر افکنده و روی پدر را یک جهت به طرف خود نماییم.(۱)

با توجه به آنچه گذشت، ادعای فهم نبوت یوسف علیه السلام به وسیله ی رویا، نه تنها دلیل ندارد، بلکه دلایلی بر خلاف آن در کلام اهل بیت علیهم السلام وجود دارد.

۳. سوره مائده، آیه ۱۱۱

۳. وَ إِذْ أَوْحَیتُ إِلَی الْحَوَارِیینَ أَنْ آمِنُواْ بِی وَ بِرَسُولِی قَالُوَاْ آمَنَّا وَ اشْهَدْ بِأَنَّنَا مُسْلِمُون.(۲)

« و یاد کن هنگامی که به حواریین وحی کردیم که به من و فرستاده ام ایمان آرید، گفتند: ایمان آوردیم؛ خدایا گواه باش که ما تسلیم امر توایم».

وجه استدلال

در این جا خداوند برای شناخت عیسای مسیح به حواریین وحی را عنایت

۱- علل الشرائع، ج ۱، ص ۴۶.

۲- مائده، ۱۱۱.

کرد، که مراد رؤیاست.(۱)

نقد

یکم: در این قسمت نیز، فقط ادعایی از طرف احمد بصری شده و هیچ دلیلی برایش ارائه نشده است.

دوم: مراد از وحی در آیات قرآن کریم مختلف بوده و مفسرین و اهل لغت، معانی گوناگون آن را بررسی کرده اند.(۲)

در مورد این آیه نیز چهار احتمال وجود دارد:

۱. مراد از این وحی، وحی حقیقی و مربوط به انبیاست؛ و احتمال دارد این آیه ناظر به نبوت حواریون و وحی به آنان باشد.(۳)

۲. مراد، وحی با واسطه و به وسیله ی عیسی علیه السلام باشد. و حواریون از طریق ایشان به این الهیات امر شده اند. (۴) نمونه ی این معنا را برخی از مفسرین در این آیه جستجو کرده اند. ((وَ أَوْحَیْنا إِلَیْهِمْ فِعْلَ الْخَیْراتِ))(۵)

راغب در تبیین این مطلب می گوید:

((فذلک وحی إلی الأمم بوساطه الأنبیاء))(۶)

«این آیه، وحی به امت ها را با واسطه ی انبیا ذکر می کند».

۳. مراد از وحی، الهام قلبی و ایجاد اراده است.(۷) و مشابه این مورد، الهام

۱- ادله جامع یمانی، ص۶۲.

۲- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۳، ص ۶۳؛ متشابه القرآن و مختلفه (لابن شهر آشوب)، ج ۱، ص ۲۱۰؛ المفردات فی غریب القرآن، ص ۸۶۰.

۳- ر. ک: المیزان، ج۶، ص۲۲۲.

۴- تفسیر نمونه، ج ۵، ص۱۲۸؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۴، ص ۲۶۰.

۵- الأنبیاء، ۷۳.

۶- المفردات فی غریب القرآن، ص ۸۶۰.

۷- ، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۸؛ متشابه القرآن و مختلفه، ج ۱، ص ۲۱۰؛ وحی و نبوت در قرآن، ص ۷۷؛ مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۳۱.

خدای متعال به زنبور عسل می باشد، که در قرآن چنین فرموده است:

«وَ أَوْحی رَبُّکَ إِلَی النَّحْلِ»(۱)

۴. مراد، القای مطلب با استفاده از نشانه های الهی است. و در آیه مراد این است که با توجه به معجزات عیسی علیه السلام، ایمان به خدا و رسولش را القا نموده ایم.(۲)

در نهایت با توجه به احتمالات ذکر شده، وجهی برای تمسک به ادعای جریان مدعی یمانی باقی نمی ماند و به تعبیر دیگر، در هنگام وجود احتمالات گوناگون استدلال به یک احتمال بدون قرینه باطل است. و نمی توان مراد از وحی در این آیه را خواب و رویا تفسیر کرد.

نتیجه

اگر چه در آیات فراوانی بحث از رویا و خواب صادقه ذکر شده، اما با توجه به همان آیات، اصل رویای صادقه و این که تعدادی از خواب ها دارای تعبیر بوده و بیننده ی خواب می تواند برخی از وقایع را به صورت رمز آلود یا آشکارا ببیند، مورد تأیید است. اما این مطلب که با توجه به خواب، بتوان در اصول عقاید مانند: امامت و تشخیص حجت الهی و یا مسایل فقهی ورود نمود، ثابت شدنی نیست و هیچ یک از دلایل ادعایی به این مطلب اشاره ندارد.

۱- نحل، ۶۸.

۲- التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۸ ؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۰۷ ؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۳، ص ۶۳.

بخش سوم: جایگاه خواب در تشخیص حجت الهی از نگاه روایات

اشاره

در منابع روایی و عقلی دلیلی بر اعتبار رویا در تشخیص مصداق حجت الهی وجود ندارد و با توجه به این که هیچ فقیه، متکلم و فیلسوفی خواب را در تشخیص حکم فقهی معتبر نمی دانـد، به طریق اولویت نمی توان از این روش در مباحث عقیدتی بهره منـد شـد. از دیگرسو افرادی از میـان مـدعیان دروغین که قائـل به حجیت رویـا شـده انـد، دلیلی منطقی بر اثبات دیـدگاه خود نداشـته انـد. گفتنی است، شـیاطین می تواننـد برای انسان ها تخیل دیدن معصوم علیه السـلام را ایجاد کنند و به صورت حتمی افرادی که به نـام رسول خـدا صـلی الله علیه و آله یا یکی دیگر از معصومان علیهم السـلام رویت می شونـد، خود معصوم علیه السلام نیستند تا به دنبال آن اجرای فرمان های داده شده در رویا لازم باشد.

در میان متکلمان و فقیهان شیعه کسی خواب را، در کشف و یافتن حکم فقهی معتبر نمی داند.(۱) و باوجود سختگیری عالمان شیعی در اثبات اصول عقاید با تمسک به ادله ی قطعی(۲)، به طریق اولی رویا در مسائل عقیدتی، مانند کشف

۱- ر. ک: الأصول الأصـلیه و القواعـد الشـرعیه، ص ۳۱۴؛ انیس المجتهـدین فی علم الأـصول، ج ۱، ص ۳۳۵؛ حق المـبین فی تصویب المجتهدین و تخطئه الاخباریین، ص۸۴؛ بحر الفوائد فی شرح الفرائد، ج ۲، ص۴۷۲؛ فقه الشیعه (الاجتهاد و التقلید)، ص ۳۱؛ مجمـع الأفکـار و مطرح الأنظـار، ج ۲، ص ۵؛ الـدرر النجفیه، من الملتقطـات الیوسـفیه، ج۲، ص۲۸۳؛ صـراط النجاه (المحشی للخوئی)، ج ۱، ص ۴۶۸.

۲- إرشاد العقول الی مباحث الأصول، ج ۳، ص ۳۱۶.

حجت الهی و امام معصوم راهی نـدارد. به عنوان نمونه: شیـخ مفید (۴۱۳ ق)،(۱) سید مرتضی (۴۳۶ ق)،(۲) ابن ادریس حلی (۵۹۸ق)(۳) علامه حلی(۷۲۶ ق)(۴)، ملااحمد نراقی(۱۲۴۵ ق)،(۵) میرزای قمی(۱۳۲۲ ق) (۶)، علاّمه مجلسی(۱۱۱۱ق)(۷) شیخ حرّ عاملی(۸) و آیت الله جوادی آملی(۹) مباحثی را در این زمینه آورده و حدود اعتبار خواب را بیان کرده اند.

شیخ مفید می فرماید:

« و مع ذلـک فإنـا لسـنا نثبت الأحکام الـدینیه من جهه المنامات؛(۱۰)بایـد توجه داشت که مـا احکـام دینی را به وسـیله رؤیا و خواب اثبات نمی کنیم».

دلایل عدم حجیت رویا

۱. روایت (ان دینَ الله – عزَّوجل – أعَزّ مِن أنْ یُری فِی النَوم)

فقیهان در ردّ استنباط احکام شرعی به وسیله ی خواب،(۱۱) به روایت ذیل نیز استناد جسته اند:

عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَیْنَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ

۱– الفصول المختاره، ص ۱۳۰.

۲– رسائل الشریف المرتضی، ج۲، ص۱۳.

۳– أجوبه مسائل و رسائل فی مختلف فنون المعرفه، ص۳۱۳.

۴– اجوبه المسائل المهنائیه، ص۹۸.

۵– مناهج الاحکام والاصول، ص۱۹۱.

۶– قوانین الاصول، ج۱، ص۴۹۶.

۷– بحار الانوار، ج ۵۸، ص۲۳۸.

۸– الفصول المهمه فی أصول الأئمه (تکمله الوسائل)، ج ۱، ص ۶۸۹.

۹– ادب فنای مقربان، ج ۶، ص۱۴۱.

۱۰– الفصول المختاره، ص ۱۳۰.

۱۱– ر. ک: مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۵، ص ۴۶۸؛ الفصول المهمه فی أصول الأئمه (تکمله الوسائل)، ج ۱، ص ۶۹۰؛ الدرر النجفیه، ج۲، ص۲۸۴؛ الاصول الاصلیه و القواعد الشرعیه، ص ۳۱۴.

اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ: مَا تَرْوِی هَذِهِ النَّاصِبَهُ ؟فَقُلْتُ:جُعِلْتُ فِدَاکَ فِیمَا ذَا؟ فَقَالَ: فِی أَذَانِهِمْ وَ رُکُوعِهِمْ وَ سُجُودِهِمْ. فَقُلْتُ:إِنَّهُمْ یَقُولُونَ إِنَّ أُبَیَّ بْنَ کَعْبٍ رَآهُ فِی النَّوْمِ. فَقَالَ: کَذَبُوا، فَإِنَّ دِینَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَعَزُّ مِنْ أَنْ یُرَی فِی النَّوْم؛(۱)... این گروه چه می گویند؟ عرض کردم: فدایت شوم، در چه موردی؟ فرمود: در مورد اذانشان و...، عرض کردم: می گویند که ابی بن کعب آن را در خواب دیده. امام فرمود: دروغ می گویند؛ زیرا دین خداوند عزیزتر از آن است که در خواب دیده شود.

اهل سنت در سبب تشریع اذان گفته‌اند: مردم مدینه برای آگاه شدن از وقت نماز مشکل داشتند و پیامبر صلی الله علیه و آله با ایشان به مشورت پرداخت. پیشنهاد ناقوس و بوق و دفّ و روشن کردن آتش و نصب پرچم -که علامت نصاری و یهود و رومیان و مجوسیان بود – به پیامبر صلی الله علیه و آله داده شد، ولی ایشان آنها را نپذیرفت و در حالی که حضرت صلی الله علیه و آله با مشورت به نتیجه‌ای نرسیده بودند، عبدالله بن زید در رویا و یا بین خواب و بیداری فرشته‌ای را دید که به او اذان و اقامه را آموخت. سپس او این جریان را به پیامبر صلی الله علیه و آله بازگو کرد و ایشان دستور دادند تا بلال آن را گرفته و برای اعلام وقت نماز بگوید. (۲) اما اهل بیت علیهم السلام این سخن را نفی کرده و تشریع اذان را به وحی الهی دانسته اند.

با توجه به عمومیت عبارت (دین الله)، معنای روایت، تمام آموزه های دین، اعم ازمسایل عقیدتی و فقهی بوده و نفی استفاده از رویا در این روایت آشکارا بیان شده است. مقید نمودن این عبارت در مسایل فقهی نیز تاثیری بر استدلال ندارد؛ چرا که با توجه به این که رویا نمی تواند نقشی در استنباط احکام فقهی داشته باشد، به طریق اولویت در مسایل عقیدتی بی فایده است.

۱- کافی، ج ۳، ص ۴۸۳.

۲- مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۵، ص ۴۶۸.

از این رو علّامه ی مجلسی پس از تایید سند این روایت،(۱) می فرماید:

«ثُمَّ إنَّ هـذا الخبر يَدُلّ عَلى أنَّ بِالنومِ لا تَثبُتُ الأحكام؛(۲) این خبر دلالت می کنـد که با خواب نمی توان احکام الهی را ثابت کرد».

۲. اجماع قولی و عملی

در نگـاه فقها شـکّی در حجیت اجماع کاشف از قول معصوم علیه السـلام نیست.(۳) یکی از راههـای کشف قول معصوم علیه السـلامحدس است. خلاـصه روش حـدس در باب اجماع آن است که انسان از راه دستیابی به فتوای همه ی فقها حـدس قطعی پیـدا کنـد به این که رأی معصوم همین بوده و این نظریه به دانشـمندان در طول تاریـخ هم رسـیده است. چون ما با وجدان می بینیم که فقهادر برخی مسائل و احکام شـرعیه ی فرعیه اختلاف نظر دارند؛ یکی قائل به وجوب، و دیگری قائل به حرمت است و... با این همه اگر در مسأله ای، تمام علما در طول تاریخ نظریه ی واحدی داشـتند، ما حدس قطعی می زنیم به اینکه علما این رأی را از پیش خود اختراع ننموده اند، بلکه از رهبر و پیشوایشان به آنها رسیده است.

همان گونه که در صورت اتفاق نظر قطعی سایر صاحبان آرا و مذاهب، انسان یقین می کند که این سخن را رهبر آنها گفته یا مثلاًـ در صورت اتّفـاق تمـام شـاگردان کلاـس بر مطلبی، انسـان یقین می کنـد که این سـخن را از اسـتاد خود گرفته انـد؛ نوع متاخرین از علما همین راه را بر گزیده اند. (۴) و اگر بتوان نظر تمام فقها در تمام زمان ها را بـدون نظر مخالف به دست آورد، این اجماع پذیرفتنی

۱- ایشـان در مـورد سـند چنین فرموده انـد: «حسن. و روی مثله فی العلـل بأسانیـد صـحیحه. » مرآه العقول فی شـرح أخبـار آل الرسول، ج ۱۵، ص ۴۶۸.

۲- همان.

۳- ر. ك: دراسات فی الأصول، ج ۳، ص ۱۵۵.

۴- أصول الفقه، ج ۳، ص ۱۱۴.

است.(۱)

برخی از عالمان بر این باورنـد که در مورد عدم اعتبار رویا در کشف احکام فقهی شـکی نیست و به عبارت دیگر اجماع علما در این باره پذیرفتنی است.(۲) حتی محدث نوری نیز با وجود داشـتن مشربی گسترده در مباحث رویا، و نگاشتن کتابی مفصل در این زمینه، اعتقاد خود پیرامون عدم حجیت رویا در احکام شرعی را چنین بیان آورده:

ولا یخفی علی الارباب النهی عـدم کون الرویا طریقا فی غیر الانبیاء فی الاحکام بأسـرها؛(۳)و بر عقلا و اهل فن پوشـیده نیست که رویا برای غیر انبیا، در استنباط هیچ حکم فقهی به کار نمی آید.

۳. سیره متشرعه

یکی از دلایـل عـدم حجیت رویـا، سـیره ی متشـرعه و عـدم اعتنای آنان به رؤیاسـت(۴). سـیره ی متشرعه پس از عمـل عموم مسـلمانان یا شـیعیان، مطرح شده و بر دو گونه است: سـیره ای که می دانیم در عصـر معصوم علیه السلام جریان داشته به گونه ای که ایشـان نیز بـدان عمـل یا آن را تقریر کرده، و سـیره ای که جریان آن در زمان معصوم علیه السـلام احراز نشـده یا عـدم جریان آن احراز شده، که در فرض اول حجت بوده و در فرض دوم حجیت نداشته و دلیل به شمار نمی آید.(۵)

استناد کننده های این دلیل معتقدند که درمورد رویا نیز از دوران

۱- القوانین المحکمه فی الأـصول، ج ۲، ص ۲۴۲؛ أصول الفقه، ج ۳، ص ۱۲۰؛ بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۳۱۳؛ انوار الأصول، ج ۲، ص ۳۶۸.

۲- حق المـبین فی تصـویب المجتهـدین و تخطئه الاخبـاریین، ص ۸۴؛ بحر الفوائـد فی شـرح الفرائـد، ج ۲، ص ۴۷۲؛ وسیله الوسائل فی شرح الرسائل، ص ۱۵۹.

۳- دارالسلام، ج۴، ص ۱۹۰.

۴- فقه الشیعه (الاجتهاد و التقلید)، ص ۳۱؛ القواعد الشریفه، ج ۲، ص۲۳۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۲۳۸.

۵- صدر، ۱۴۱۸، ج، ۱ ص۲۸۶؛ مظفر، ۱۳۷۵، ج۲، ص۳۷۴.

معصومین علیهم السلام تا کنون کسی از این روش، جهت استخراج حکم استفاده نکرده است.

بزرگان اخباری نیز در نقد استفاده از رویا چنین می گویند:

فلأن الأدله الداله علی وجوب متابعتهم و أخذ الأحکام عنهم- صلوات اللّه علیهم- إنما تحمل علی ما هو المعروف المتکرر دائما؛... و لا ریب أن الشائع الذائع المتکرر إنّما هو أخذ الأحکام منهم حال الیقظه؛(۱)دلایل وجوب اطاعت و اخذ احکام از ائمه علیهم السلام، بیان گر روش های متعارف و مورد اطمینان در زمان های متفاوت است. بی شک روش متعارف در اخذ احکام، استفاده از ادله در بیداری است و نمی توان به خواب استناد کرد.

۴. اصل

برای اثبات احکام شرعیه نیاز به علم داریم و نمی توان به صرف احتمال و ظن (گمان)، سخنی را به شرع مقدس نسبت داد. اما در این میان، دلایلی برای اثبات حجیت برخی از ظنون و خارج شدنشان از ذیل حکم اولیه ارائه شده که به ظن هایی مانند خبر واحد تعلق گرفته و به آنها ظنون معتبره می گویند.(۲) رویا و خواب از جمله ظنونی هستند که دلیلی و قرینه ای بر خروجش از ذیل اصل اولیه وجود ندارد و در نهایت، حکم عدم حجیتش باقی می ماند.(۳) به تعبیر دیگر حجیت رویا نیاز به اثبات و احراز دارد که دلیل صریحی از طرف عقل و نقل در اثبات آن وجود نداشته، و عدم احراز، دلالت بر عدم اعتبار دارد.

۵. مشکل بودن تعبیر و تاویل رویا

فهم رویای صادقه به راحتی نبوده و افراد خاص - که علم تعبیر به آن ها

۱- الدرر النجفیه من الملتقطات الیوسفیه، ج ۲، ص ۲۸۳.

۲- إرشاد العقول الی مباحث الأصول، ج ۳، ص۱۲۴.

۳- وسیله الوسائل فی شرح الرسائل، ص ۱۵۹؛ مجمع الأفکار و مطرح الأنظار، ج ۲، ص ۵.

الهام شده - می توانند این مطلب را تشخیص دهند.(۱) و حتی برخی از فقیهان و عارفان نظیر امام خمینی رحمه الله نیز در تعبیر خواب خود به اشتباه رفته اند.(۲) به ویژه زمانی که خواب ما صراحتی نداشته و نیاز به تأویل دارد. از این روی علّامه محمد تقی مجلسی می گوید:

و لکن لا یعرف تعبیر الرؤیا إلا الأنبیاء و الأوصیاء أو من ألهمه الله من أولیائه، فإنه بحر عمیق بل جربنا أن لکل نفس تعبیر خاص لیس لغیرها؛(۳) تعبیر رویا را انبیا و اوصیا و یا دریافت کننده های الهام الهی می دانند، تعبیر خواب دریای عمیقی است و تجربه نشان داده که تعبیر خواب در یک موضوع خاص برای تمام افراد یکسان نیست.

سختی تعبیر رویا و فهم کلام معصومین علیهم السلام در خواب، منجر می شود که نتوان به خواب کسی اطمینان کرد. علامه مجلسی و دیگر فقها در این زمینه می گویند:

و أیضا ما یری فی المنام قد یحتاج إلی تعبیر و تأویل فلعل ما رآه مما له تعبیر و هو لاـ یعرفه و إن لم یکن من قبیل الأضغاث؛(۴)و همچنین آن چه در خواب می بیند، اگر از اقسام خواب های آشفته نباشد، به دلیل عدم درک صحیح تعبیر خواب و پیام های داده شده، نمی تواند حجت قرار گیرد.

۱- ر. ک:روضهالمتقین، ج۵، ص۳۹۹؛ شرح کافی، ج۱۱، ص۴۴۵؛ بحار الانوار، ج۵۸، صص۲۳۴و ۲۳۸.

۲- ر. ک: تفسیر سوره حضرت یوسف علیه السلام، ص ۲۵. ایشان خواب می بینند که مرگشان فرا رسیده و در هنگام دفن سنگی زیر پهلویشان را آزار می دهد و حضرت علی علیه السلام آن را برداشته و کمکشان می کنند، پس از بیداری رویا را چنین تعبیر نمودند که گناهی داشته وحضرت علیه السلام شفیع ایشان می شوند. پس از مدتی و نقل این رویا برای آیت الله کشمیری، ایشان تعبیر را نادرست دانسته و می گویند: این سنگ نماد شاه ایران بوده و مرگ نشانه تبعید، که به لطف حضرت علی علیه السلام شما به ایران برمی گردید و شاه از ایران می رود.

۳- روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۵، ص ۳۹.

۴- بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۲۳۸؛ الدرر النجفیه من الملتقطات الیوسفیه، ج ۲، ص ۲۸۳.

آنچه در برخی گزارش ها از رویاها به دست می آیـد، بیانگر این است که، تشـخیص رویای صادقه از کاذبه، آن قـدر مشـکل است که برخی از علمای ربانی و اولیای الهی نیز از تعابیر اشـتباه در امان نبوده و با گمان صادقه بودن رؤیا و اسـتناد عقایدشان به آن، مسیر را به انحراف رفته اند.

به عنوان نمونه: می توان به قصه ی تحریم تنبـاکو اشـاره کرد که برخی از اخبـاری هـا با تمسک به رویا، و این که امام حسـین علیه السـلام دسـتور ترک اسـتعمال تنبـاکو را داده انـد، بر علمایی که اسـتفاده از تنباکو را جایز دانسـته، احتجاج کرده انـد. در حـالی که قـائلین به جواز نیز، به رویـای دیگری از آن حضـرت علیه السـلام اسـتناد کرده که دلالت بر اذن امام علیه السـلام به استفاده ازقلیان دارد.(۱)

و یـا این که برخی از مخالفـان فلسـفه و اخباریون،(۲) علیه بزرگانی مانند ابن سـینا(۳)، ابـن ادریس حلی، علامـه حلی و وحید بهبهانی به رویاهایی که از نظر آنها صادقه بوده، استناد جسته اند؛(۴) در حالی که در تایید این بزرگان رویاهای

۱- حق المبین فی تصویب المجتهدین و تخطئه الاخباریین، ص ۸۴.

۲- الفوائد المدنیه و بذیله الشواهد المکیه، ص ۵۳۵.

۳- مجمع البحرین، ج ۶، ص ۲۷۰.

۴- صـاحب الحـدائق النـاظره که خود نیز از اخبـاریین محسوب می گردد، نگاه تنـدو همراه با افراط امین استر آبادی نسبت به علامه حلی را نقـد کرده است. ر. ک: الحدائق الناظره، ج ۱، ص ۱۷۰. او می گوید: «و لم یرتفع صـیت هذا الخلاف و لا وقوع هذا الاعتساف إلا من زمن صاحب الفوائد المدنیه سامحه الله تعالی برحمته المرضیه، فإنه قد جرد لسان التشنیع علی الأصحاب و أسـهب فی ذلـک ای إسـهاب، و أکثر من التعصـبات التی لا تلیق بمثله من العلماء الأطیاب. و هو و ان أصاب الصواب فی جمله من المسائـل التی ذکرها فی ذلک الکتاب، إلا انها لا تخرج عما ذکرنا من سائر الاختلافات و دخولها فیما ذکرنا من التوجیهات. و کان الأنسب بمثله حملهم علی محامل السداد و الرشاد ان لم یجد ما یدفع به عن کلامهم الفساد، فإنهم (رضوان الله علیهم) لم یألوا جهـدا فی إقامه الـدین و احیاء سـنه المرسـلین، و لا سـیما آیه الله (العلامه) الذی قد أکثر من الطعن علیه و الملامه، فإنه بما ألزم به علماء الخصوم و المخالفین- من الحجج القاطعه و البراهین، حتی آمن بسـببه الجم الغفیر، و دخل فی هذا الدین الکبیر و الصـغیر و الشـریف و الحقیر، و صـنف من الکتب المشتمله علی غوامض التحقیقات و دقائق التدقیقات، حتی ان من تأخر عنه لم یلتقط إلا من درر نثاره و لم یغترف إلا من زاخر بحاره- قـد صار له- من الیـد العلیا علیه و علی غیره من علماء الفرقه الناجیه- ما یسـتحق به الثناء الجمیل و مزید التعظیم و التبجیل، لا الذم و النسبه إلی تخریب الدین کما اجترأ به قلمه علیه (قدس سره) و علی غیره من المجتهدین».

صادقه ی دیگری از طرف علمای موافق آنها ارائه شده است.(۱)

آیت الله جوادی آملی نیز در عدم حجیت خواب در مباحث علمی و اعتقادی چنین آورده:

شاید سرّش آن باشد که در آن صورت حدّ و مرزی برای رؤیا و مکاشفات عرفانی وجود نمی داشت و هر کس هر چه می خواست در عالم رؤیا می دید یا در عالم مکاشفه مشاهده می کرد؛ از امور ساده ای مثل اینکه فلانی باید فلان مبلغ را به فلان کس دهد؛ فلانی باید فلانی را به عقد خود درآورد یا به عقد فلانی درآید یا... گرفته تا امور مهمی مانند ادعای نیابت و سفارت از حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) و.... در نتیجه بسیاری از امورْ واجب و بسیاری دیگرْ حرام می شدند و الزامات و التزامات فراوانی پدید می آمدند و راهی برای نفی و اثبات آن ها نبود و خلاصه، سنگی روی سنگی بند نمی شد، در حالی که معیار الزامات و التزامات فقهی در عصر غیبت آن است که دیگران راه عالمانه ای برای اثبات یا نفی آن داشته باشند و این، راهی جز استناد و اتکا به ادلّه ی اربعه (کتاب، سنت، عقل و اجماع) در استنباطات فقهی ندارد.(۲)

مطلق یا مقید بودن عدم حجیت رویا

ظاهر ادله و کلام علما در عدم حجیت رویا به صورت مطلق است ؛ که شامل عمومیت در:

الف) افراد مختلف اعم از عالم و غیر عالم است.

ب) در تمام مسایل دینی اعم از فقهی و عقیدتی است.

۱- تعلیقه أمل الآمل، ص ۱۶۹ ؛ منتهی المقال فی أحوال الرجال، ج ۶، ص ۱۷۸.

۲- ادب فنای مقربان، ج۶، ص۱۴۱.

ج) در تمام زمان ها، چه دوران حضور معصوم علیه السلام و چه دوران غیبت است.

د)تفاوتی میان دیدن معصوم علیه السلام و گرفتن دستور یا پاسخی از ایشان، با دیگر افراد نیست.

اما ممکن است در این جا دو اشکال به ذهن برسد و گمان شود که برخی از روایات و وقایع تاریخی، عدم حجیت رویا را قید زده و بیانگر این است که اگر یکی از معصومین علیهم السلام در خواب دیده شد و سخنی را مطرح فرمود، یقین به صدور از سوی آنها پیدا کنیم و همان گونه که واجب است به دستورشان در بیداری عمل شود، باید به این دستور نیز عمل کنیم. به عبارت دیگر رویا نمی تواند ملاک کشف حقیقت باشد، مگر زمانی که یکی از معصومین علیهم السلامدر خواب دیده شود.

اشکال اول به عمومیت و اطلاق عدم حجیت

اشاره

در اثبات این ادعا که به صرف دیدن یکی از معصومین علیهم السلام می توان ادعا به صادقانه بودن رؤیا کرد، و کلام آن معصوم برای ما حجت است، به این نوع از روایات تمسک جسته اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ رَآنِی فِی الْمَنَامِ فَقَدْ رَآنِی فَإِنَّ الشَّیْطَانَ لَا یَتَمَثَّلُ بِی فِی نَوْمٍ وَ لَا یَقَظَهٍ وَ لَا بِأَحَدٍ مِنْ أَوْصِیَائِی إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَه؛(۱)کسی که مرا در خواب بیند، مرا دیده است ؛چرا که شیطان نمی تواند در خواب و بیداری، به صورت من و یا جانشینانم تا قیامت ظاهر شود.

به عبارت دیگر، روایاتی مانند: ان الشیطان لایتمثل بی(۲)و کلامنا فی النوم مثل کلامنا فی الیقظه (۳)، قیدی بر عمومیت نفی بهره گیری از رویا در مسایل

۱- کتاب سلیم بن قیس هلالی، ج ۲، ص ۸۲۳.

۲- همان.

۳- اختیار معرفه الرجال (مع تعلیقات میر داماد الأسترآبادی)، ج ۲، ص ۸۴۴.

دینی است. و اگر استنباط حکم شرعی به واسطه ی دیدن یک غیر معصوم باشد، باطل است. اما اگر در رویا، یکی از ائمه علیهم السلام را دیدیم و حکم را از آن ها گرفتیم، ایرادی ندارد؛ چراکه در اصل، استنباط حکم به واسطه ی کلام معصوم علیه السلام بوده است.

و با این بیان، حدیث (إن دین الله عزوجل أعزّ مِنْ أن یُری فی النوم)، عمومیت نفی بهره گیری از رویا و خواب را نداشته و همانگونه که از روایت و گزارشات تاریخی به دست می آید، اهل سنت معتقد بودند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تشریع اذان را با تمسک به رویای عبد الله بن زید انجام داده است. (1)و امام صادق علیه السلام، استنباط احکام به صورت تأسیسی و به وسیله ی رویا از غیر معصومین علیهم السلام را اشکال فرموده اند.

این بیان را می توان در کلمات علامه مجلسی به دست آورد، گرچه خود این توجیه را نمی پذیرند. ایشان می گویند:

و یمکن أن یخص بابتداء شرعیتها و رأیت فی بعض أجوبه العلامه رحمه الله عما سئل عنه، تجویز العمل بما یسمع فی المنام عن النبی و الأئمه علیهم السلامإذا لم یکن مخالفا للإجماع. لما روی من أن الشیطان لا یتمثل بصورتهم و فیه إشکال؛(2)و امکان دارد که این نهی مربوط به وقتی باشد که فرد از طریق رویا بخواهد حکمی را تاسیس کند. اما اگر کشف از حکم باشد ایرادی ندارد. و در برخی از پاسخ های علامه ی حلّی چنین به نظر می رسد که عمل به دستور داده شده در خواب را جایز می دانند؛ البته به این شرط که با اجماع و احکام دین تنافی نداشته باشد. و علت بیان این مطلب، روایتی است که می فرماید: شیطان نمی تواند در قالب رسول خدا و ائمه علیهم السلام ظاهر

۱- مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۵، ص۴۶۹.

۲- همان.

شود. ولی این کلام اشکالاتی دارد ونمی توان آن را پذیرفت.

پاسخ به اشکال اول

۱. این دسته از روایات خبر واحد هستند.

این پاسخ را علمایی همچون: شیخ مفید(۱)، سید مرتضی(۲)، نراقی(۳) و علاّمه ی مجلسی(۴) داده اند، که بنابر خبر واحد بودن این دسته از روایات، نمی توان به مفاد آن در اثبات اصول عقاید توجه و عمل کرد.

شیخ مفید می گوید: «و جمیع هذه الروایات أخبار آحاد ».(۵)

بر خلاف نظرات ذکر شده، محدث نوری این دسته از روایات را، از جمله اخبار متواتر می داند. (۶) البته احتمال دارد که مراد محدث نوری از تواتر همان استفاضه باشد؛چرا که برخی از اخباریون تفاوتی میان معنای تواتر استفاضه قائل نبوده و در صورت تعدد اسناد در یک روایت، آن را به عنوان متواتر نقل می کرده اند.(۷)

و برخی دیگر، گرچه روایت را متواتر ندانسته اند، اما بر آن اعتماد داشته و در احتجاج خود از آن بهره گرفته اند. به عنوان مثال، شیخ صدوق در مقام رد نظریه ی اسماعیلیه، ایجاد تخیل شیطان در قالب اسماعیل را دلیل عدم امامت او دانسته و چنین می گوید:

وَ قَدْ رُوِیَ أَنَّ الشَّیْطَانَ لَا یَتَمَثَّلُ فِی صُورَهِ نَبِیٍّ وَ لَا فِی صُورَهِ وَصِیٍّ

۱- کنز الفوائد، ج ۲، ص ۶۴.

۲- أمالی المرتضی، ج ۲، ص ۳۹۳.

۳- انیس المجتهدین فی علم الأصول، ج ۱، ص ۳۳۵.

۴- بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۲۳۸.

۵- کنز الفوائد، ج ۲، ص ۶۴.

۶- ر. ک: دارالسلام، ج۴، صص۲۱۲ و ۲۳۲.

۷- ر. ک: الرواشح السماویه فی شرح الأحادیث الإمامیه (میرداماد)، ص ۱۲۳.

نَبِيٍّ؛ فكيف يجوز أن ينص عليه بالإمامه مع صحه هـذا القول منه فيه؛(۱)و روايت شـده كه شـيطان نمى تواند به صورت نبى يا وصـىِّ نبى، خود را تجسم دهد. پس چگونه قائل به امامت اسماعيل شويم، در حالى كه شيطان جهت انحراف در شيعيان، خود را به ظاهر اسماعيل در مى آورد.

همچنين امين الاسلام طبرسى، در تنزيه مقام حضرت سليمان گفته است:

«و لا أن يمكن الشيطان من التمثل بصوره النبى؛(۲)و امكان ندارد كه شيطان در قالب نبى رُخ نمايد».

بررسى پاسخ اول

مفاد دوازده روايت نقل شده در منابع شيعى و در باب عدم تمثل شيطان به صورت حجت الهى را، مى توان به سه دسته تقسيم كرد:

۱. عـدم تمثل شـيطان در بيدارى براى افرادى كه آن حجت الهى را درک كرده اند. (۳) يعنى شيطان نمى تواند در قالب يكى از حجّت هاى الهى در آمده و به

۱- كمال الدين و تمام النعمه، ج۱، ص ۷۰.
۲- مجمع البيان فى تفسير القرآن، ج ۸، ص ۷۴۳.
۳- عَنْ أَبِى جَعْفَرٍ الثَّانِى عليه السـلام: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السـلام قَالَ لِأَبِى بَكْرٍ يَوْماً: لا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِى سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ وَ أَشْـهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً صـلى الله عليه و آله رَسُولُ اللَّهِ مَاتَ شَـهِيداً وَ اللَّهِ لَيَأْتِيَنَّکَ فَأَيْقِنْ إِذَا جَاءَکَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ غَيْرُ مُتَخَيِّلٍ بِهِ فَأَخَذَ عَلِيٌّ بِيَدِ أَبِى بَكْرٍ فَأَرَاهُ النَّبِيَّ صـلى الله عليه و آله فَقَالَ لَهُ:يَا أَبَا بَكْرٍ! آمِنْ بِعَلِيٍّ وَ بِأَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِهِ إِنَّهُمْ مِثْلِى إِلَّا النُّبُوَّهَ وَ تُبْ إِلَى اللَّهِ مِمَّا فِى يَدِکَ فَإِنَّهُ لَا حَقَّ لَکَ فِيهِ. قَالَ: ثُمَّ ذَهَبَ فَلَمْ يُرَ. عَن زيـد عن ابى عبد الله عليه السـلام قال: ان شيطانا قد ولع بابنى اسمعيل يتصور فى صورته ليفتن به الناس و انه لا يتصور فى صوره نبى و لا وصى نبى فمن قال لک من النـاس ان اسـمعيل ابنى حى لم يمت فانمـا ذلـک الشـيطان تمثـل له فى صوره اسـمعيل مـا زلت ابتهـل الى اللّه عز و جل فى اسـمعيل ابنى ان يحييه لى و يكون القيم من بعـدى فابى ربى ذلک و ان هذا شـى ء ليس الى الرجل منا يضعه حيث يشاء و انما ذلک عهـد من اللّه عز و جل يعهده الى من يشاء فشاء اللّه ان يكون موسـى ابنى و ابى ان يكون اسـمعيل و لو جهد الشـيطان ان يتمثل بابنى موسى ما قـدر على ذلک ابـدا و الحمـد للّه. قال زراره: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السـلام: أَخْبِرْنِى عَنْ حَمْزَهَ أَ يَزْعُمُ أَنَّ أَبِى آتِيهِ ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ كَذَبَ وَ اللَّهِ مَا يَأْتِيهِ إِلَّا الْمُتَكَوِّنُ إِنَّ إِبْلِيسَ سَلَّطَ شَيْطَاناً يُقَالُ لَهُ الْمُتَكَوِّنُ يَأْتِى النَّاسَ فِى أَيِّ صُورَهٍ شَاءَ إِنْ شَاءَ فِى صُورَهٍ كَبِيرَهٍ وَ إِنْ شَاءَ فِى صُورَهٍ صَغِيرَهٍ وَ لَا وَ اللَّهِ مَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَجِى ءَ فِى صُورَهِ أَبِى عليه السلام. عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَهَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عليه السـلام فَسَلَّمْتُ وَ جَلَسْتُ فَقَالَ لِى وَ كَانَ فِى مَجْلِسِکَ هَذَا أَبُو الْخَطَّابِ وَ مَعَهُ سَبْعُونَ رَجُلًا كُلُّهُ إِلَيْهِمْ يَتَأَلَّمُ مِنْهُمْ شَيْئاً فَرَحِمْتُهُمْ فَقُلْتُ لَهُمْ: أَ لَا أُخْبِرُكُمْ بِفَضَائِلِ الْمُسْلِمِ... إِيَّاكُمْ وَ الرِّجَالَ فَإِنَّ الرِّجَالَ لِلرِّجَالِ مَهْلَكَهٌ فَإِنِّى سَمِعْتُ أَبِى عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ شَيْطَاناً يُقَالُ لَهُ الْمُذْهِبُ يَأْتِى فِى كُلِ صُورَهٍ إِلَّا أَنَّهُ لَا يَأْتِى فِى صُورَهِ نَبِيٍّ وَ لَا وَصِيِّ نَبِيٍّ وَ

لَا أَحْسَبُهُ إِلَّا وَ قَدْ تَرَاءَى لِصَاحِبِكُمْ فَاحْذَرُوهُ.... عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَقِیَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام أَبَا بَكْرٍ فِی بَعْضِ سِكَكِ الْمَدِینَهِ فَقَالَ لَهُ: ظَلَمْتَ وَ فَعَلْتَ. فَقَالَ: وَ مَنْ یَعْلَمُ ذَلِکَ ؟قَالَ: یَعْلَمُهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله. قَالَ:وَ كَیْفَ لِی بِرَسُولِ اللَّهِ حَتَّی یُعْلِمَنِی ذَلِکَ لَوْ أَتَانِی فِی الْمَنَامِ فَأَخْبَرَنِی لَقَبِلْتُ ذَلِکَ. قَالَ: فَأَنَا أُدْخِلُکَ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَأَدْخَلَهُ مَسْجِدَ قُبَا فَإِذَا هُوَ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی مَسْجِدِ قُبَا فَقَالَ لَهُ صلی الله علیه و آله اعْتَزِلْ عَنْ ظُلْمِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ. قَالَ: فَخَرَجَ مِنْ عِنْدِهِ فَلَقِیَهُ عُمَرُ فَأَخْبَرَهُ بِذَلِکَ. فَقَالَ: اسْكُتْ أَ مَا عَرَفْتَ قَدِیماً سِحْرَ بَنِی هَاشِمٍ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ؟! به ترتیب احادیث ر. ک: کافی، ج۱، ص۵۳۳؛ اصول السته عشر، ص ۵۰؛ اختیار معرفه الرجال، ج ۲، صص۵۸۳ و ۵۹۰ و ۵۹۳؛ الاختصاص، ص ۲۷۵.

زبان او برای مردم سخن گوید تا سبب انحراف آنان شود.

۲. عـدم تمثل در خواب برای کسانی است که این حجت الهی را درک نموده و در دوران او زنـدگی کرده اند.(۱) به عبارتی چون او را درک کرده وچهره اش را می شناسند، شیاطین نمی توانند برای آنها ایجاد شبهه کنند.

۳. عدم تمثل برای کسانی که حجت الهی دیده شده در رویا را ندیده اند

۱- عَنْ أَبَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ سُلَيْمَ بْنَ قَيْسٍ يَقُولُ:.... قَالَ [سُلَيْمٌ] فَقُلْتُ لِمُحَمَّدٍ [بن ابی بکر]مَنْ تَرَاهُ حَدَّثَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَنْ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَهِ بِمَا قَالُوا؟ فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله. إِنَّهُ يَرَاهُ فِي مَنَامِهِ كُلَّ لَيْلَهٍ وَ حَدِيثُهُ إِيَّاهُ فِي الْمَنَامِ مِثْلُ حَدِيثِهِ إِيَّاهُ فِي [الْحَيَاهِ] وَ الْيَقَظَهِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله قَالَ مَنْ رَآنِي فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَآنِي فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ بِي فِي نَوْمٍ وَ لَا يَقَظَهٍ وَ لَا بِأَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَه. فَقُلْتُ لِمُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ: مَنْ حَدَّثَكَ بِهَذَا؟ قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: فَقُلْتُ وَ أَنَا سَمِعْتُهُ أَيْضاً مِنْه.... أَبَانٌ عَنْ سُلَيْم:... «ثمّ قال عليه السلام: يا بن عمر! فما قلت أنت عند ذلك (ای موت أبيک)؟ قال: قلت: ما يمنعک أن تستخلفه؟ قال عليه السلام: فما ردّ عليک؟ قال: ردّ عليّ شيئا أكتمه! قال عليّ عليه السلام: فإنّ رسول اللّه صلى الله عليه و آلهأخبرني بكلّ ما قال لک و قلت له. قال: و متى أخبرک؟ قال عليه السلام: أخبرني في حياته، ثمّ أخبرني به ليله مات أبوک في منامي، وَ مَنْ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَآه.... ». الفضل بن الحارث قال: كنت بسر من رأى وقت خروج سيدى أبي الحسن عليه السلام، فرأينا أبا محمد ماشيا قد شق ثيابه، فجعلت أتعجب من جلالته و ما هو له أهل و من شده اللون و الادمه، و أشفق عليه من التعب. فلما كان الليل رأيته عليه السّلام في منامي، فقال: اللون الذى تعجبت منه اختيار من اللّه لخلقه يجريه كيف يشاء، و أنها هي لعبره لاولي الابصار، لا يقع فيه على المختبر ذم، و لسنا كالناس فنتعب كما يتعبون، نسأل اللّه الثبات و نتفكر في خلق اللّه فان فيه متسعا و اعلم أن كلامنا في النوم مثل كلامنا في اليقظه. (كتاب سليم، ج۲ ص۶۵۲ و۸۲۳؛اختيار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۸۴۴).

وچهره اش را نمی شناسند.(۱)

از آنجا که مورد سوم محل نزاع است، به نقل روایت آن می پردازیم.

« وَ رَوَی الْحَسَنُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا علیه السلام أَنَّهُ قَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ خُرَاسَانَ: یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! رَأَیْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی الْمَنَامِ کَأَنَّهُ یَقُولُ لِی کَیْفَ أَنْتُمْ إِذَا دُفِنَ فِی أَرْضِکُمْ بَضْعَتِی وَ اسْتُحْفِظْتُمْ وَدِیعَتِی وَ غُیِّبَ فِی ثَرَاکُمْ نَجْمِی؟ فَقَالَ لَهُ الرِّضَا علیه السلام:أَنَا الْمَدْفُونُ فِی أَرْضِکُمْ وَ أَنَا بَضْعَهٌ مِنْ نَبِیِّکُمْ وَ أَنَا الْوَدِیعَهُ وَ النَّجْمُ؛ أَلَا فَمَنْ زَارَنِی وَ هُوَ یَعْرِفُ مَا أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ حَقِّی وَ طَاعَتِی فَأَنَا وَ آبَائِی شُفَعَاؤُهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ مَنْ کُنَّا شُفَعَاءَهُ نَجَا وَ لَوْ کَانَ عَلَیْهِ مِثْلُ وِزْرِ الثَّقَلَیْنِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ لَقَدْ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ جَدِّی عَنْ أَبِیهِ علیه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ رَآنِی فِی مَنَامِهِ فَقَدْ رَآنِی لِأَنَّ الشَّیْطَانَ لَا یَتَمَثَّلُ فِی صُورَتِی وَ لَا فِی صُورَهِ أَحَدٍ مِنْ أَوْصِیَائِی وَ لَا فِی صُورَهِ وَاحِدٍ مِنْ شِیعَتِهِمْ وَ إِنَّ الرُّؤْیَا الصَّادِقَهَ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِینَ جُزْءاً مِنَ النُّبُوَّهِ».(۲)

حسن بن علیّ بن فضّال از علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت کرده که مردی از اهل خراسان به آن امام عرض کرد: ای پسر رسول خدا! من پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که گویا به من می فرمود: چگونه خواهید بود زمانی که پاره ای از تن من در سرزمین شما مدفون شود، و شما نگهبان ودیعه ی من باشید، و ستاره ی من در خاک شما روی بپوشاند؟ پس امام رضا علیه السلام به او فرمود: آن مدفون در زمین شما منم. و پاره تن پیمبر شما منم. و آن ودیعه و آن ستاره منم. آگاه باشید که هر کس مرا زیارت کند، و آنچه را از حق من و طاعت من که خدای-عزوجل- واجب کرده بشناسد، من و پدرانم روز قیامت شفیع او خواهیم بود، و کسی که ما شفیعان او

۱- من لا یحضره الفقیه، ج۲ ص۵۸۵؛عیون اخبار الرضا، ج۲، ص۲۵۸.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۵؛ أمالی(صدوق)، النص، ص ۶۵.

باشیم، نجات خواهد یافت؛ اگر چه گناه ثقلین (جن و انس) را بر دوش داشته باشد. و پدرم از جدم از پدرش علیهم السلام برایم حکایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که مرا در خواب بیند، در حقیقت مرا دیده؛ زیرا شیطان به صورت من و یکی از جانشینانم و یکی از شیعیان ایشان در نمی آید، و رؤیای صادقه جزئی از هفتاد جزء نبوّت است.

طریق شیخ صدوق به حسن بن علی بن فضال چنین است:

و ما کان فیه عن الحسن بن علیّ بن فضّال فقد رویته عن أبی- رضی اللّه عنه- عن سعد بن عبد اللّه، عن أحمد بن محمّد بن عیسی، عن الحسن بن علیّ بن فضّال.(۱)

این روایت درکتابی دیگر از شیخ صدوق با این سند آمده:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا علیه السلام.(۲)

اگر چه به دلیل نقل زیاد و گوناگونی اسناد در میان شیعه و سنی(۳)، کلیت عدم تمثل شیطان در قالب حجت الهی را متواتر معنوی(نه لفظی) می دانیم، اما این سخن بدان معنا نیست که تمام مفاد روایات متعدد را می پذیریم؛ بلکه در بحث تواترمعنوی، به قدر متیقن و نقطه اشتراک بر گرفته از روایات تمسک می کنند. (۴) با این وصف از روایات وارده در منابع شیعی و اهل سنت به دست

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۹۶.

۲- عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۵۸؛ امالی، ص۶۵.

۳- در منابع اهل سنت به جز عبارت های ذکر شده در متن فوق، عبارت های دیگری نیز بیان شده است مانند: «من رآنی فی المنام فقد رآنی، فإنّ الشیطان لا یَتَکَوَّنُنِی» و فی روایه «لا یَتَکَوَّنُ فی صورتی». ر. ك: النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۴، ص ۲۱۲؛ إمتاع الأسماع، ج ۱۰، ص۲۹۱؛ جامع الاحادیث، ج ۲۰، ص۲۱۶-۲۲۱.

۴- الرعایه، صص ۵۸ و ۶۱؛ معجم مصطلحات الرجال، ص۱۴۶.

می آید که اثبات تواتر عدم تمثل شیطان به صورت چهره حقیقی رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیگر حجّت های الهی برای کسانی است که ایشان را به چشم دیده اند. روایت دسته سوم نیز از جمله اخبار واحدی است که حتی به درجه استفاضه(۱) نمی رسد، و محتوای آن را نمی توان به عنوان محتوای متواتر مد نظر قرار داد.

با این توضیح می توان میان نظر شیخ مفید و تابعین ایشان با دیدگاه محدث نوری جمع کرد و بیان هر یک را به دو حیث صحیح دانست. اگر محتوای روایاتی که عدم تمثل شیطان برای کسانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را ندیده اند، درنظر بگیریم، روایات، واحد بوده که قرینه و شاهدی بر اعتبار نیز ندارد، بدین رو در مسایل عقیدتی به کار نمی آید. و اگر مراد ما عدم تمثل شیطان در قالب حجت های الهی و برای کسانی که ایشان را دیده اند باشد، روایات متواتر است.

۲. مراد دیدن چهره حقیقی حجت الهی است.

آنچه که از عبارت "رآنی" فهمیده می شود، دیده شدن چهره ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، یعنی ایشان فرمود: اگر کسی قطع دارد که مرا دیده، در این صورت القای شیطان نبوده است.

و محل بحث نیز همین است که در زمان ما، کسی نمی تواند ادعا کند چهره ی رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیده تا قسمت دوم روایت برای او صادق باشد. از این رو با فرض پذیرش روایات عدم تمثل شیطان در چهره ی حجت های الهی، یقین به رسیدن قسمت اول روایت، یعنی دیدن چهره ی پیامبر صلی الله علیه و آله به دست نمی آید تا قسمت دوم را تمسک کنیم. به ویژه این که شیاطین می توانند القائات خود را به انسان ها وارد کرده و آنها را دچار شبهه کنند.(۲)

۱- در استفاضه باید افراد هر طبقه سه نفر متفاوت باشند. برای معنای استفاضه ر. ک: الرعایه، ص۶۵ ؛ معجم مصطلحات الرجال، ص ۱۵۷.

۲- برای نمونه به این آیات ر. ک: انعام، ۱۲۱و۱۱۲؛ حج، ۵۲و ۵۳؛ مجادله، ۱۰.

آیت الله جوادی آملی در این باره آورده:

امّا مشکل این است که بیشتر ما امامان معصوم علیهم السلام را ندیده ایم و اگر صورتی نورانی در خواب بینیم که صاحب آن ادعا کند که من امام هستم، چگونه او را بشناسیم؟ از کجا معلوم شیطانی که ادعای ربوبیت کرده، ادعای نبوّت و امامت نکند؟!(۱)

۳. تجربیات مخالف

در میان علمای فرقه های گوناگون و شیعه و اهل سنت؛ بسیار رخ داده که سخنانی به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت داده می شود درحالی که مخالف یکدیگرند. و این مطلب گویای عدم اعتماد به دیده شدن یک چهره به نام معصوم علیه السلاماست و نمی توان به راحتی به رویای خود تمسک کرد. از طرفی اهل سنت رویاهایی را نقل می کنند که دلالت بر رضایت رسول خدا صلی الله علیه و آله از خلافت ابوبکر و عمر دارد(۲)؛ و شیعیان نیز رویاهایی در برابر آن را ذکر می کنند. شیخ مفید به این مطلب اشاره کافی داشته و به نقل از یکی از مستبصرین اهل سنت تمسک کرده که قبل از شیعه شدن، بارها آن حضرت را در خواب می دیده که خلیفه اول و دوم را تایید می کرد؛ اما پس از تشیع، رویاهایی خلاف را می دیده که پیامبر صلی الله علیه و آله به غاصب بودن آن دو اشاره می کرده اند.(۳) این گونه رویا ها آشکارا می گوید که شیاطین می توانند برای کسانی که رسول خدا و دیگر معصومین علیهم السلام را ندیده اند، چهره سازی کنند.

نیز مثال هایی که در قسمت مشکل بودن تعبیر رویا آورده ایم، استناد

۱- نسیم اندیشه، دفتر اول، ص ۱۳۸.

۲- جهت مطالعه رویاهای باطلی که توسط اهل سنت دیده شده است ر. ک: الإصابه، ج ۶، ص۲۱۷؛ دلائل النبوه، ج ۷، ص۷؛ ترتیب المدارک وتقریب المسالك لمعرفه أعلام مذهب مالك، ج۱، ص۲۶۳.

۳- کنز الفوائد، ج ۲، ص ۶۵.

اخباری ها بیان شد که امام حسین علیه السلام را در خواب دیده و قائل به حرمت تنباکو شده و اصولیون استناد می کنند که امام مهدی علیه السلام را دیده و قائل به جایز بودن تنباکو شده اند. حال به کدام رویا می توان تمسک کرد؟ اگر بگوئیم که هر رویایی که معصومی در آن باشد حجت است، باید به نظر کدامیک از علمای اخباری یا اصولی متوسل شد؟آیا امکان دارد که دو معصوم سخنی مخالف یکدیگر بگویند؟ این گونه مثال ها که تعداد آن ها هم کم نیست، دلالت صریح و تمام دارد که اگر کسی خود را با نام یکی از معصومین معرفی کرد، نمی توانیم سخن او را قطعی پنداشته و ملزم به انجام آن شویم.

۴. آیه ی نجوا

اشاره

برخی از مفسرین، ذیل آیه (انما النجوی من الشیطان)(۱) روایتی را آورده اند که بیانگر ایجاد تخیل شیطانی به نام (زها) برای حضرت زهرا علیها السلام است. و این شیطان در قالب چهره ی رسول خدا، حضرت علی و حسنین علیهم السلام در آمده و مرگ آن ها را به حضرت فاطمه علیها السلام نشان داده است. پس از اطلاع رسول خدا صلی الله علیه و آله از این رویا و جستجوی معنای آن از جبرئیل، متوجه می شوند که این شیطان برای آزار حضرت فاطمه علیها السلام این رویا را ایجاد کرده است.(۲)

گر چه متن فوق را دارای دو اشکال دانسته اند:

یکم: در تفسیر قمی ذکر شده و این تفسیر در میان برخی از محققین اعتبار نداشته و در مورد روایات منفردی که درکتب دیگر نباشد، تامل کرده اند.(۳)

دوّم: با مقام عصمت حضرت زهرا علیها السلام سازگاری ندارد.

۱- مجادله، ۱۰.

۲- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۵۶.

۳- پژوهشی در علم رجال، ص ۳۱۲، مقاله پژوهشی در تفسیر قمی، آیت الله سید احمد مددی، کیهان اندیشه مهر و آبان ۱۳۶۹ - شماره ۳۲ ، ص ۱۱.

اما کلیت این مضمون در منابع دیگر یافت می شود(۱) و علّامه ی مجلسی این روایت را پذیرفته و آن را از احادیث مشهوره می داند.(۲) از این رو در روشنگری آن کوشیده تا اشکالات وارد شده را پاسخ گوید.(۳)

صرف نظر از پذیرش و عدم پذیرش این روایت، مهمّ برای نگارنده این است که احمد اسماعیل بصری این روایت را پذیرفته و از این رهگذر می توانیم دیدگاه او را نقد کنیم؛(۴) چرا که محتوای روایت صراحت در ایجاد تخیل چهره معصوم علیه السلام برای معصوم دیگر را دارد؛ آن هم شخصی مانند حضرت زهرا علیها السلام که شناخت کامل به چهره فرزندان و پدر بزرگوارشان داشته اند. از این جا می توان نتیجه گرفت که شیاطین می توانند به طریق اولی برای ما که این بزرگواران را ندیده ایم، چهره سازی کنند.

احمد اسماعیل در توجیه این روایت می گوید:

إنّ الشیطان ألقی فی نهایه الرؤیا هذا الأمر وهو موت الرسول محمد، وبما أنّ العاصم موجود معها وهو رسول الله فقد وکلها الله إلیه لیبین لها إنّ الصوت الذی سمعته فی نهایه الرؤیا لیس من الرؤیا، بل هو من الشیطان أراد تحزینها به؛(۵) شیطان در انتهای رویای حضرت زهرا علیها السلام این مطلب را که مرگ حضرت محمد صلی الله علیه و آله باشد، القا و وارد کرده است. و خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را

۱- کافی، ج ۸، ص ۱۴۳؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۷۹؛ فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۲۹۰؛ دار السلام، ج ۱، ص ۷۳ ؛ عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلی الإمام الجواد، ج ۱۱، قسم ۱؛ فاطمه، ص ۵۰۷ به نقل از کتاب مناقب محمد بن سلیمان کوفی.

۲- بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۸۷.

۳- همان، ج۵۸، صص ۱۶۶ و ۱۸۷.

۴- احمد بصری و یارانش روایت تفسیر قمی در مورد رویای حضرت زهراعلیها السلامرا می پذیرند. ر. ک: الجواب المنیر، ج ۱-۳، ص ۳۲۱؛ بین یدی الصیحه (الاحلام)، ص ۸۲.

۵- الجواب المنیر، ج ۱-۳، ص ۳۲۱.

روشن کننده ی این مکر شیطان قرار داده و به حضرت زهرا علیها السلام آگاهی داده که این رویا، جهت ناراحت کردن شما و القای شیطان بوده است.

در پاسخ باید توجه داشت حتی اگر القای شیطان را در قسمت پایانی رویای ایشان بدانیم و کذب خواب را به این قسمت نسبت دهیم، این نکته باقی است که به هرصورت شیطان در قالب حضرت رسول صلی الله علیه و آله ظاهر شده و وفات ایشان را به نمایش گذارده است، در حالی که آن چهره ی نمایش داده شده به یقین رسول خدا صلی الله علیه و آله نبوده است. و نیز باید توجه داشت که در زمان ما این تذکر دهنده و مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز وجود ندارد تا بتوانیم القای شیطان را از او بپرسیم!

بر فرض ادّعای احمد اسماعیل مبنی بر حضور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و توانایی شیطان برخواب سازی برای حضرت زهرا علیها السلام، اما در زمان ما خداوند به صورت جبری دست شیطان را برای خواب سازی بسته و ما از این خطر در امانیم، این سخن پذیرفتنی نیست؛ چون علاوه بر عدم فهم این معنا از ظاهر روایت و صراحت آن در خواب سازی شیطان برای حضرت زهرا علیها السلام و همه انسان ها؛ دلیلی هم بر توجیه سخن احمد بصری وجود ندارد. درحالی که قضیه عکس توجیه احمد اسماعیل است و اهل بیت علیهم السلام با نقل روایات مزبور این پیام را به ما رسانده اند که گر چه حضرت زهرا علیها السلام معصوم بوده و رسول خدا صلی الله علیه و آله او را در شناخت دروغین بودن خوابش راهنمایی کرده، ولی شیطان توانسته خواب سازی کند؛ پس شما به طریق اولی و بیقین در تیررس شیطان و القای خواب های دروغین او قرار دارید.

خلاصه، با توجه به خبر واحد بودن دسته ی سوم از اخبار، و نبود شواهدی بر صحت آن، بلکه قرائنی دال بر عدم پذیرش عمومیت آن در اختیار داریم که

نمی توان در اصول عقاید از این دسته روایات استفاده کرد.

توجیه روایت مرد خراسانی

از دیگر سو با توجه به قرائن فوق به نظر می رسد که محتوای دسته سوم از روایات با دیگر احادیث تنافی ندارد ؛چراکه رویای مرد نیشابوری به وسیله ی امام معصوم علیه السلام تایید شده، و او از این طریق یقین به دیده شدن چهره ی حقیقی رسول خدا صلی الله علیه و آله پیدا کرده است. به عبارت دیگر قسمت اول روایت که (رآنی) است، به واسطه ی تایید امام رضا علیه السلام محقق شده، پس قسمت دوم نیز جای تمسک دارد. وگرنه این فرد نیز نمی توانست به یقینی بودن چهره ی رسول خدا صلی الله علیه و آله اطمینان کند، و در زمان ما که از دیدن معصوم محرومیم تا از صحت رویای خود آگاه نشویم، نمی توان به رویا تمسک کرد.

۵. عدم تقیید روایت(ان دین الله أعزّ مِنْ أنْ یُری فی النوم)

دلیلی بر قید زدن روایت فوق به تشریع یک حکم به وسیله ی غیر معصوم وجود ندارد و شاهدی بر تصرف در معنای عام روایت نداریم. بنابر آنچه گذشت، محتوای روایات عدم تمثل شیطان به رسول خدا صلی الله علیه و آله، ربطی به کسانی که آن حضرت را ندیده اند نداشته و نمی توان از این روایات برای قید زدن بهره جُست. اگر به مفاد کلام علامه حلی نیز توجه کنیم، درمی یابیم که ایشان دیدن معصوم در خواب را به دو دسته تقسیم کرده:

۱. در صورت مخالفت کلام ایشان با شرع و دین؛

۲. در صورت هماهنگی با روایات و دین.

و در مقام پاسخ، مورد اول را جایز ندانسته و تنها گزینه ی دوم را، آن هم بدون ایجاد الزامی برای بیننده ی رویا، جایز می داند. به عنوان نمونه: اگر کسی در خواب یکی از معصومین علیهم السلام را ببیند که به او دستور داده اند به زیارت برود و

یـا به یکی از ائمه برای حل مشـکلش متوسل شود و یا این که نماز شب خود را ترک نکنـد؛ چون این اعمال مورد قبول شـرع است، بـدون این که الزامی به همراه داشـته باشـد، سـزاوار عمـل است. گفتنی است، علاّـمه ی حلّی به هیـچ عنـوان تمسـک به خواب را حجت ندانسـته و معتقـد نیست که کلام معصومین در رویا، مانند کلام ایشان در بیداری حجت است؛ چون اگر قائل به عدم تفاوت خواب و بیداری بود، انجام دستور در خواب را واجب می دانست، درحالی که چنین نفرمود.

اشکال دوم: گزارش های تاریخی و مخالفت با عمومیت عدم حجیت رویا

اشاره

احمد اسماعیل(۱) مواردی تاریخی را آورده که ارتباطی با بحث نداشته و یا حرکتی از سوی غیر معصوم است و معصوم علیه السلام آن را تایید نکرده، ولی کوشیده که این موارد را وقایعی تاریخی در تشخیص حجت الهی به وسیله ی رویا قلمداد کرده و از این طریق عمومیت عدم تمسک به رویا را نفی کند. در ذیل تعدادی از موارد ادّعاهای دروغین از نظرتان می گذرد:(۲)

۱. إسلام خالد بن سعید

گروهی کوشـیده تا اسـلام آوردن خالـد بن سـعید را بنا بر رویا قرار داده و مدّعی شدند که او در خواب سـقوطش درون یک چاه آتش را دیده و پدرش که از مشـرکان بود او را به درون چاه هدایت می کند، اما رسول خدا صـلی الله علیه و آله دست او را گرفته و از آتش نجات می دهد. سـپس این خواب دل او را نرم کرده تا نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله برود و درباره ی اسلام پرسش هایی را مطرح کند. پس از طرح

۱- ر. ک: المتشابهات، ج۱-۴، ص۲۳۵؛ الرویا فی مفهوم آل البیت علیهم السلام، ص۴۴.

۲- جهت آگاهی بیشتر ر. ک: المتشابهات، ج۱-۴، ص۲۳۵؛ الرویا فی مفهوم آل البیت علیهم السلام، ص۴۴.

آن ها و منطقی دیدن دین اسلام، آن را پذیرفته و مسلمان می شود. (۱)

نقد

۱. عمل غیر معصوم حجت نبوده و نمی توان با توجه به آن، مساله ای عقیدتی را پایه ریزی کرد.

۲. حضرت محمد صلی الله علیه و آله اصل اسلام او را پذیرفته و شاهدی بر تایید خواب و روش او وجود ندارد.

۳. همان گونه که از متن این واقعه ی تاریخی به دست می آید، خالد بن سعید پس از دیدن رویا به محضر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رسیده وبه رویایش اکتفا نکرده، بلکه با پرسش از محتوای دعوت ایشان و مقبول بودن آن ها، اسلام را می پذیرد. به عبارت دیگر خالد بن سعید با دیدن رویا قلبش نرم شده و شوق و انگیزه ی شنیدن دعوت را به دست می آورد و با تحقیق از محتوای دعوت اسلام، ایمان می آورد. و مورخان گزارش اسلام او را چنین گزارش می دهند:

فقال: یا محمد! إلی من تدعو؟ فقال: أدعوک إلی الله وحده لا شریک له، و أنّ محمدا عبده و رسوله، و تخلع ما أنت علیه من عباده حجر لا یسمع و لا یبصر، و لا یضرّ و لا ینفع، و لا یدری من عبده ممن لم یعبده. قال خالد: فإنّی أشهد أن لا إله إلا الله، و أشهد أنک رسول الله. فسرّ رسول الله صلّی الله علیه و سلم بإسلامه؛ خالد گفت: ای محمد !به چه چیزی دعوت می کنی ؟حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: تو را به خدای واحدی که شریکی ندارد، و این که محمّد بنده و فرستاده ی اوست و پرهیز از عبادت سنگ، که نه می شنود و نه می بیندو نه نفع و ضرری دارد و نه می فهمد که چه کسی او را عبادت می کند و چه کسی عبادت نمی کند، دعوت می کنم. خالد

۱- الاستیعاب، ج ۲، ص۴۲۳.

گفت:شهادت به یگانگی خداوندو رسالتت می دهم. پس پیامبر صلی الله علیه و آله از اسلام او شادمان شد.

۲. اسلام جندل بن جناده

ادعا شده که وی نیز با رویا از یهودیت به اسلام گرایش یافت.

«دَخَلَ جَنْدَلُ بْنُ جُنَادَهَ الْیَهُودِیُّ مِنْ خَیْبَرَ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: یَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْنِی عَمَّا لَیْسَ لِلَّهِ وَ عَمَّا لَیْسَ عِنْدَ اللَّهِ وَ عَمَّا لَا یَعْلَمُهُ اللَّهُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَمَّا مَا لَیْسَ لِلَّهِ فَلَیْسَ لِلَّهِ شَرِیکٌ وَ أَمَّا مَا لَیْسَ عِنْدَ اللَّهِ فَلَیْسَ عِنْدَ اللَّهِ ظُلْمٌ لِلْعِبَادِ وَ أَمَّا مَا لَا یَعْلَمُهُ اللَّهُ فَذَلِکَ قَوْلُکُمْ یَا مَعْشَرَ الْیَهُودِ عُزَیْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا یَعْلَمُ أَنَّ لَهُ وَلَداً فَقَالَ جَنْدَلٌ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّکَ رَسُولُ اللَّهِ حَقّاً ثُمَّ قَالَ: یَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّی رَأَیْتُ الْبَارِحَهَ فِی النَّوْمِ مُوسَی بْنَ عِمْرَانَ علیه السلام فَقَالَ لِی: یَا جَنْدَلُ أَسْلِمْ عَلَی یَدِ مُحَمَّدٍ وَ اسْتَمْسِکْ بِالْأَوْصِیَاءِ مِنْ بَعْدِهِ فَقَدْ أَسْلَمْتُ وَ رَزَقَنِیَ اللَّهُ ذَلِکَ»(۱)

«جَندل بن جُناده که از یهودان خیبر بود، بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا از آنچه برای خدا نیست و آنچه نزد خدا نیست و آنچه خدا نمی داند، خبر ده. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اما آنچه برای خدا نیست، پس برای خدا شریکی نیست، و اما آنچه نزد خدا نیست، پس آن ظلم بر بندگان است، و اما آنچه خدا نمی داند، آن گفتار شما مردمان یهود است که عُزَیز فرزند خداست، و خدا برای خود فرزندی نمی داند.

جندل گفت: «اشهد ان لا اله الا اللّه... » گواهی دهم که جز خدای یگانه خدایی نیست و به حقیقت تو رسول خدایی. سپس جندل عرض کرد: شب گذشته موسی بن عمران علیه السلام در خواب به من فرمود: ای جندل! به دست محمد اسلام آور، و به جانشینان پس از

۱- کفایه الأثر فی النص علی الأئمه الإثنی عشر، ص ۵۷؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۰۵.

او متمسک شو و خداوند اسلام را روزی من فرمود و مسلمان شدم».

نقد

نه تنها این روایت موید این دسته از گروه های انحرافی نیست، بلکه خلاف نظر آنان را اثبات می کند. با این که جندل رویای موسی علیه السلام را دیده بود، اما بدان متمسک نشده و جهت پی بردن به حقانیت دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله، از ایشان مطالبی را می پرسد، و پس از دقیق دیدن پاسخ ها، جهت تایید انتخاب خود به خواب اشاره می کند.

۳. ایمان وهب نصرانی

از وهب به نام های متفاوتی یاد شده؛ از جمله: وهب بن جناب کلبی(۱)؛ وهب بن جناح کلبی(۲)؛ وهب بن حباب الکلبی(۳)، وهب بن عبدالله(۴)، چنان که نام وهب بن وهب (۵)نیز در تاریخ عاشورا به چشم می خورد.

برخی از علما مانند تستری، تمامی اسامی را تحریف نام یکی از یاران امام حسین علیه السلام به نام (عبدالله بن عمیر الکلبی) می دانند. (۶) شیخ صدوق او را وهب بن وهب دانسته که به همراه مادرش و به دست امام حسین علیه السلام به اسلام روی آوردند. (۷) سید بن طاوس نیز از او ومادر و همسرش نام می برد، اما اشاره ای به

۱- قاموس الرجال، ج ۱۰، ص۴۴۸.
۲- اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۰۶.
۳- اعیان الشیعه، ج ۱، ص۶۰۴.
۴- قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۴۵۰.
۵- امالی (صدوق)، ص ۱۶۲.
۶- قاموس الرجال، ج ۱۰، ص۴۴۸.
۷- وَهْبُ بْنُ وَهْبٍ وَ كَانَ نَصْرَانِيّاً أَسْلَمَ عَلَى يَدِ الْحُسَيْنِ عليه السلام هُوَ وَ أُمُّه. (أمالی(صدوق)، النص، ص ۱۶۲).

چگونگی اسلام او نمی کند. (۱) اعلمی در دایره المعارف می نویسد: وهب پسر عبدالله کلبی نصرانی (مسیحی) با همسرش نزد امام حسین علیه السلام آمده و مسلمان شدند و با هم در کربلا به شهادت رسیدند.(۲)

ادعا شده که وهب نصرانی با دیدن رویای حضرت عیسی علیه السلام به امام حسین علیه السلام ایمان آورد.(۳) در حالی که تا کنون مستندی بر این مطلب ارائه نشده است.

احمد بصری در ادعای خود از ارائه ی حتی یک منبع علمی نیز درمانده و طرفدارانش تنها به مطلبی درج شده در یک سایت استناد می کنند. (۴) در این سایت داستانی را نقل می کند که امام حسین علیه السلام پس از ورود به خیمه ی امّ وهب، می فرمایند: پس از بازگشت وهب به او بگو: رویایت را تصدیق کن. رویا چنین بوده که وهب در شب قبل حضرت عیسی علیه السلام را می بیند که فرموده: وهب! فردا حسین علیه السلام را در کربلا یاری کن.(۵)

نویسنده ی این متن در سایت براثا، دلیل مکتوب و علمی ارائه نکرده و منبع خود را شنیده هایش قرار داده و می گوید:

لقد سمعت هذه القصه من لسان الحاج أیوب الکبیسی الذی سکن المنطقه عام۱۹۲۵ وقد سمعتها أیضا بمحاضره صوتیه للسید جاسم الطویرجاوی وکذلک من الشیخ أحمد الوائلی والشیخ عبد الحمید المهاجر وبعد بحث طویل عن مصدر هذه القصه وجدتها فی کتاب یسمی مصائب آل محمد للشیخ محمد محمدی الأشتهاردی

۱- اللهوف علی قتلی الطفوف، النص، ص ۱۰۵.

۲- دایره المعارف اعلمی، ج۱۵، ص۸۴.

۳- این ادعا را احمد بصری دارد. ر. ک. المتشابهات، ج۱ -۴، ص۲۳۸.

۴- http://vb.almahdyoon.org/showthread.php?t=۱۶۶۴۱.

۵- http://www.burathanews.com/news_article_۲۹۲۰۸.html.

ص۲۱۷، طبعه قم؛(۱) این قصه را از زبان حاج ایوب کبیسی که در سال ۱۹۲۵ ساکن منطقه قطاره بوده و از فایل صوتی سخنرانی سید جاسم طویرجاوی و شیخ احمد وائلی و شیخ عبدالحمید مهاجر شنیده و آن را در کتاب مصایب آل محمد شیخ محمد محمدی اشتهاردی یافتم.

به خوبی روشن است، نویسنده ی این مطلب در سایت براثا نیوز، منبعی علمی و معتبر ذکر نکرده و تنها به قول شفاهی تعدادی از خطبای عراق استناد می کند. و عجیب این که اشاره به کتاب حجه الاسلام و المسلمین محمدی اشتهاردی کرده، درحالی که پس از مراجعه از نبود این مطلب در آن کتاب باخبر می شویم، و ایشان هیچ اشاره ای به رؤیای وهب نکرده، بلکه دلیل ایمان و اسلامش را چنین آورده:

«امام حسین علیه السلام که با یارانش به سوی کربلا درحرکت بود، چشمش به خیمه ی سیاهی افتاد؛ امام نزدیک رفته، دید پیرزنی فقیر در آن جا زندگی می کند؛ او قمر، مادر وهب بود. امام علیه السلام حالش را پرسید؛ او گفت روزگار می گذرد، ولی در مضیقه ی کم آبی هستیم و اگر آب می داشتیم، بسیار خوب بود؛ امام علیه السلام با او به کناری رفتند تا به سنگی رسیدند، حضرت علیه السلام با نیزه ی خود آن سنگ را از جا کند و آب گوارایی از زیر آن بیرون آمد؛ پیرزن، بسیار شادمان شد و از ایشان تشکر کرد. امام حسین علیه السلام هنگام خداحافظی، جریانش را بازگو کرد و به آن مادر پیر فرمود: ما، نیاز به یار و یاور داریم؛ وقتی پسرت وهب بازگشت، بگو به ما بپیوندد و در راه دفاع از حق و مبارزه با ظلم یاری مان کند...

عروس و پسرش وهب آمدند؛ آنها آب گوارای چشمه را در کنار خیمه ی خود دیدند و از علّت آن پرسیدند؛ قمر، تمام جریان را

۱- همان.

برای آنها بیان کرد و پیام امام حسین علیه السلام را نیز به پسرش رساند. این سه نفر، شیفته ی امام شده، بارو بنه ی خود را برداشتند و به سوی کاروان امام حرکت کردند؛ آنها به حضور امام رسیده، اسلام را پذیرفته و همراه سپاه امام، با کمال عشق و علاقه، به راه خود ادامه داده تا به کربلا رسیدند».(۱)

در پایان لازم به ذکر است، نگارنده پس از طرح سوال از نماینده ی فرقه ی احمد اسماعیل و پایان فرصتی که برای ارائه مدرک این رویای خیالی طلب کرد، اینچنین پاسخ داد:

« در مورد رویای وهب مدرکی نداریم؛ اما شاید امام احمد! خود از امام مهدی علیه السلام شنیده است!»

سوگمندانه، این تمام پاسخی است که تا کنون از این جماعت دریافت کرده ایم.

۴. قبول ولایت امام رضا علیه السلام به وسیله یک واقفی

در کتاب خرائج، روایتی را بدین مضمون آورده است:

«مَا رُوِیَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ: کُنَّا عِنْدَ رَجُلٍ بِمَرْوَ وَ کَانَ مَعَنَا رَجُلٌ وَاقِفِیٌّ، فَقُلْتُ لَهُ: اتَّقِ اللَّهَ، قَدْ کُنْتُ مِثْلَکَ ثُمَّ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبِی فَصُمِ الْأَرْبِعَاءَ وَ الْخَمِیسَ وَ الْجُمُعَهَ وَ اغْتَسِلْ وَ صَلِّ رَکْعَتَیْنِ وَ سَلِ اللَّهَ أَنْ یُرِیَکَ فِی مَنَامِکَ مَا تَسْتَدِلُّ بِهِ عَلَی هَذَا الْأَمْرِ. فَرَجَعْتُ إِلَی الْبَیْتِ وَ قَدْ سَبَقَنِی کِتَابُ أَبِی الْحَسَنِ إِلَیَّ یَأْمُرُنِی فِیهِ أَنْ أَدْعُوَ إِلَی هَذَا الْأَمْرِ ذَلِکَ الرَّجُلَ فَانْطَلَقْتُ إِلَیْهِ وَ أَخْبَرْتُهُ وَ قُلْتُ لَهُ: احْمَدِ اللَّهَ وَ اسْتَخِرْهُ مِائَهَ مَرَّهٍ وَ قُلْتُ إِنِّی وَجَدْتُ کِتَابَ أَبِی الْحَسَنِ قَدْ سَبَقَنِی

۱- سوگنامه آل محمد صلی الله علیه و آله، ص ۲۰۹.

إِلَی الـدَّارِ أَنْ أَقُولَ لَـکَ وَ فِیهِ مَا کُنَّا فِیهِ[۱] وَ إِنِّی لَـأَرْجُو أَنْ یُنَوِّرَ اللَّهُ قَلْبَـکَ فَافْعَـلْ مَا قُلْتُ لَکَ مِنَ الصَّوْمِ وَ الـدُّعَاءِ فَأَتَانِی یَوْمَ السَّبْتِ فِی السَّحَرِ. فَقَـالَ لِی: أَشْـهَدُ أَنَّهُ الْإِمَـامُ الْمُفْـتَرَضُ الطَّاعَهِ. فَقُلْتُ: وَ کَیْفَ ذَلِـکَ ؟قَـالَ: أَتَـانِی أَبُو الْحَسَنِ الْبَـارِحَهَ فِی النَّوْمِ فَقَالَ: یَا إِبْرَاهِیمُ! وَ اللَّهِ لَتَرْجِعَنَّ إِلَی الْحَقِّ وَ زَعَمَ أَنَّهُ لَمْ یَطَّلِعْ عَلَیْهِ إِلَّا اللَّه».[۲]

«وشّـاء گویـد: نزد مـا در مرو مردی واقفی زنـدگی می کرد. به او گفتم: از خـدا بترس! من هم مثـل تو بودم، ولی خـدا قلبم را نورانی کرد.

چهارشـنبه، پنجشـنبه و جمعه را روزه بگیر و غسل کن و دو رکعت نماز بخوان و از خدا بخواه تا آنچه را که بتوانی با آن برای این کار استدلال کنی، به تو نشان دهد.

پس از بـازگشت به خانه، نامه ای از طرف امام رضا علیه السـلام دیـدم که دسـتور داده بود تا آن مرد را برای این کار بخوانم. پس او را آگاه کرده و گفتم: خـدا را حمد کن و صدبار از او طلب خیر نما. چون در مورد تو نامه ای به من رسـیده که درباره همان گفتگوهای ماست. امیدوارم که خدا قلبت را نورانی کند. پس آنچه از روزه گرفتن و دعا کردن به تو گفتم، انجام ده.

پس سحر روز شنبه، نزدم آمد و گفت: گواهی می دهم که او امام واجب الاطاعه است.

پرسیدم: چگونه این را فهمیدی؟

گفت: دیشب امام رضا علیه السـلام به خوابم آمـد و فرمود: ای ابراهیم! به خدا سوگند! تو به سوی حقّ باز می گردی. و او می گفت: هیچ کس جز خدا حال او را نمی دانست».

۱- علامه مجلسی این قسـمت از عبارت را چنین نقل کرده است:(إِنِّی وَجَدْتُ کِتَابَ أَبِی الْحَسَنِ قَدْ سَبَقَنِی إِلَی الدَّارِ أَنْ أَقُولَ لَکَ مَا کُنَّا فِیه). (بحار الانوار، ج۴۹، ص۵۴).

۲- الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۳۶۷.

نقد

۱. این روایت را کسی جز راوندی درخرائج، نیاورده، و نمی توان با خبر واحد ضعیف، قائل به مطلبی در اصول عقاید شد.

۲. روایت از نظر سند ضعیف بوده و مشخص نیست که راوندی با چه طریقی روایت را نقل کرده؟ به ویژه این که نویسنده ی کتاب، با عنوان (رُوِی) آورده است.

۳. با فرض دلالت این خبر به استفاده از رویا در تشخیص حجت الهی، در تعارض با ادله ی متقنی که در ابتدای مقاله ذکر شد قرار داشته و نمی توان در مقام تعارض به حدیث واحد و ضعیف تمسک کرد.

۴. این خبر گزارش می دهد که وشاء از این مرد واقفی درخواست کرده است تا برای شناخت طریق استدلال بر امامت حضرت رضا علیه السلام از خواب بهره گیرد، در حالی که:

یکم: در ادامه گزارش نیامده که این فرد بدین کار تمسک کرده باشد.

دوّم: قبول امامت امام رضا را به دلیل دیدن معجزه غیب گویی آن حضرت علیه السلام آورده است.

سوّم: تاییدی از معصوم علیه السلام بر این روش وجود نداشته و سخن غیر معصوم برای ما حجت نیست.

نکته ی مهم این که بـا مراجعه به گزارش هـای تاریخی، به دست می آوریم که خود وشاء و دیگر واقفیه از طریق طرح مسائل علمی و دیدن معجزه از سوی امام علیه السلام به ایشان ایمان آورده و روشی به نام خواب یا رویا در کار نبوده است.(۱)

۱- عیون اخبار الرضا، ج۲، ص۲۲۹؛ کافی، ج۱، ص۳۵۵.

حضرت نرجس علیها السلام

یکی دیگر از ادعاها در پیدا کردن حجت الهی به وسیله ی رویا، خواب نقل شده در مورد حضرت نرجس علیها السلام و ازدواج ایشان با امام حسن عسکری علیه السلام است. در داستانی که شیخ صدوق به عنوان اولین نفر بدان پرداخته، ایشان نوه ی پادشاه روم شرقی بوده و پس از دیدن خواب حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حضرت عیسی علیه السلام، حضرت زهرا و حضرت مریم علیها السلام در خواب، اسلام را پذیرفته و همسری امام یازدهم علیه السلام را می پذیرد.(۱)

نقد

یکم: این روایت خبر واحدی بوده که دارای ضعف سند است.(۲)

دوّم: در برابر بیان شیخ صدوق، دو گزارش معارض داریم:

الف) نعمانی و شیخ صدوق روایتی می آورند که مادر حضرت مهدی علیه السلام را کنیز سیاه پوست می داند نه بانوی رومی. و می گویند:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ فِيهِ شَبَهٌ مِنْ يُوسُفَ ابْنُ أَمَةٍ سَوْدَاءَ يُصْلِحُ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَه؛شنیدم که امام باقر علیه السلام می فرمود: همانا صاحب این امر شباهتی به حضرت یوسف دارد و فرزند کنیزی سیاه است که خداوند در یک شب امر ظهورش را فراهم می کند.(۳)

در سند نعمانی افراد موثقی هستند(۴) و فقط در مورد یزید الکناسی تردید

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۱۷.
۲- ر. ک:رساله فی تواریخ النبی والآل (صلوات الله علیهم)، چاپ شده در پایان ج۱۲؛ قاموس الرجال، ص۶۱.
۳- غیبت نعمانی، ص۱۶۳و ص ۲۲۸؛کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۲۹.
۴- جهت وثاقت ابن عقده، ر. ک: معجم رجال الحدیث، ج۳، ص۶۴. احمد بن الحسین، همان، ج۲، ص۱۰۵. حسن بن محبوب، همان، ج۶، ص۹۶. هشام بن سالم، همان، ج ۲۰، ص۳۲۴.

است که توثیق صریحی ندارد. آیت الله خوئی ایشان را همان ابوخالد قماط دانسته و توثیق می کنند.(۱) آیت الله شبیری نیز ایشان را بنابر نقل اجلاء، پذیرفته(۲) واو را فقیهی زبده می دانند.(۳) در میان قدما نیزبزرگانی همچون: شهید ثانی روایات او را صحیحه دانسته اند.(۴) به نظرمی رسد، با توجه به این که این روایت را شیخ صدوق نیز از طریق ضریس نقل می کند واین فرد از افراد ثقه بوده(۵) و در سند نیز فردی مانند حسن بن محبوب- که از اصحاب اجماع است - قرار دارد، می توان به این روایت اعتماد کرد. (۶)

ب)در کتاب غیبت شیخ طوسی(۷)، اثبات الوصیه(۸) و عیون المعجزات(۹) گزارشی آمده که تولد حضرت نرجس علیها السلام را در خانه حکیمه خاتون دانسته و داستانی مخالف رومی بودن ایشان را نقل می کند.

سوّم: پیش از این گذشت که برای اثبات مطلبی در اصول عقاید، نمی توان به یک گزارش ضعیف تمسک جست. علاوه این گزارش از جمله اخبار آحادی است که ضعف سندی هم دارد.

در پایان یادآور می شویم که در مباحث امامت، راه های گوناگونی برای

۱- همان، ج۲۱، ص۱۱۱.

۲- کتاب نکاح، ج ۱۱، ص ۳۹۷۶.

۳- همان، ص ۴۰۰۷.

۴- مسالك الأفهام، ج ۱۴، ص ۳۳۹.

۵- جهت وثاقت ضریس، ر. ك: معجم رجال الحدیث، ج۱۰، ص۱۶۲.

۶- جهت اطلاع از مبنای علما در تصحیح روایات اصحاب اجماع ر. ك:پژوهشی در علم رجال، اکبر ترابی شهرضایی، ص۲۳۱.

۷- غیبت طوسی، ص۲۴۴.

۸- اثبات الوصیه، ص۲۵۷. قال المؤلف لهذا الکتاب: روی لنا الثقات من مشایخنا ان بعض أخوات أبی الحسن علیه السلام علی بن محمد علیه السلامکانت لها جاریه ولدت فی بیتها و ربّتها تسمّی نرجس.

۹- عیون المعجزات، ص ۱۳۸.

تشخیص حجت الهی وجود دارد، که نیازی به تعیین مصداق از طریق رویا نیست؛ آن هم رویایی که تشخیص صدق و کذبش از عهده ی افراد عادی و عموم مردم خارج است. بنابراین اگر مردم معیارهای تشخیص امام حق از امام باطل را در اختیار داشته باشند، هیچ گاه در تشخیص حق از باطل در نمی مانند. و با توجه به روایت های فراوان موجود در منابع روایی، امر اهل بیت علیهم السلام روشن تر از نور خورشید بوده(۱) و همان قوانینی که ما را به دوستی اهل بیت علیهم السلام رهنمون کرد و ولایت آنان را پذیرفتیم، در تشخیص امام مهدی علیه السلام نیز راهگشاست.

نتیجه

با توجه به ادله ی یقینی، نمی توان از رویا در تشخیص احکام فقهی بهره جست و این امر به طریق اولویت در مسایل عقیدتی بی اعتبار است. از دیگر سو شیاطین می توانند برای انسان ها خواب سازی و القا کنند که یکی از معصومین علیهم السلام هستند؛ از این رو نمی توان به رویای خود تمسک کرد و آن را مانند کلام معصوم تلقی کنیم. علاوه، هیچ یک از اهل بیت علیهم السلام هم این روش را تایید یا پیشنهاد نفرموده اند.

۱- وقتی که مفضل بن عمر نسبت به فتنه های آخرالزمان مضطرب می گردد، امام علیه السلام تشخیص حق از باطل را چنین به او متذکر شده و می فرمایند: «.... وَ لَتُرْفَعَنَّ اثْنَتَا عَشْرَةَ رَایَهً مُشْتَبِهَهً لَا یُدْرَی أَیٌّ مِنْ أَیٍّ قَالَ فَبَکَیْتُ ثُمَّ قُلْتُ لَهُ کَیْفَ نَصْنَعُ فَقَالَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ثُمَّ نَظَرَ إِلَی شَمْسٍ دَاخِلَهٍ فِی الصُّفَهِ أَ تَرَی هَذِهِ الشَّمْسَ فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ لَأَمْرُنَا أَبْیَنُ مِنْ هَذِهِ الشَّمْس». (غیبت نعمانی، ص۱۵۳).

کتابنامه

۱. آشتیانی، محمدحسن، بحر الفوائد، بیروت، موسسه تاریخ العربی، ۱۴۳۲ ق.

۲. آملی، میرزا هاشم، مجمع الافکار، قم، مکتبه العلمیه، ۱۳۹۵ ق.

۳. ابن أبی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبه، محقق علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ق.

۴. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.

۵. ابن ادریس حلی، محمد، اجوبه مسائل و رسائل فی مختلف فنون، قم، دلیل ما، ۱۴۲۹ق.

۶. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، الامالی، تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.

۷. --------، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ه.

۸. --------، عیون اخبار الرضا علیه السلام، مهدی لاجوردی، تهران، نشر جوان، ۲ جلد، ۱۳۷۸ش.

۹. --------، کمال الدین و تمام النعمه، علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۲جلد، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.

۱۰. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.

۱۱. --------، الدرر الکامنه فی أعیان المائه الثامنه، هند، مجلس دائره المعارف العثمانیه، ۱۳۹۲ ق.

۱۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، متشابه القرآن، قم، دار بیدار، ۱۳۶۹ ق.

۱۳. ابن طاوس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران، جهان، ۱۳۴۸ ش.

۱۴. --------، فلاح السائل، قم، بوستان کتاب، ۱۴۰۶ ق.

۱۵. ابن عبد البر، یوسف بن عبد الله، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.

۱۶. ابن قیس، سلیم، کتاب سلیم، قم، الهادی، ۱۴۰۵ ق.

۱۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴

۱۸. استر آبادی، محمد امین، الفوائد المدنیه و بذیله الشواهد المکیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۶ق.

۱۹. اصفهانی، آقا عبدالغفار، با تحقیق علی تابنده (محبوب علیشاه) رساله سعادتیه، تهران، انتشارات حقیقت، ۱۳۷۲ ش.

۲۰. اعلمی، محمد حسین، دایره المعارف اعلمی، بیروت، اعلمی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.

۲۱. افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، تعلیقه أمل الآمل، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۱۰ ق.

۲۲. الهی، بهرام، چاپ دیبا، چاپ چهارم، ۱۳۷۳ش، بی جا.

۲۳. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف، بی تا.

۲۴. اندلسی، عیاض بن موسی، ترتیب المدارک وتقریب المسالک لمعرفه اعلام مذهب مالک، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.

۲۵. بحرانی اصفهانی، عبد الله، عوالم العلوم و المعارف و الاقوال، قم، موسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۱۳ ق.

۲۶. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضره فی أحکام العتره الطاهره، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ ق.

۲۷. --------، الدرر النجفیه من الملتقطات الیوسفیه، بیروت، دار المصطفی لإحیاء التراث، ۱۴۲۳ ق.

۲۸. بیهقی، احمد بن الحسین، دلائل النبوه و معرفه أحوال صاحب الشریعه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.

۲۹. تابنده، سلطان حسین، نابغه علم و عرفان، تهران، حقیقت، ۱۳۸۳ ش.

۳۰. ترابی شهرضایی، اکبر، پژوهشی در علم رجال، قم، اسوه، ۱۳۸۷ش.

۳۱. تستری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم، نشر اسلامی، دوم، ۱۴۱۷ ق.

۳۲. تهانوی، محمد علی، موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، مکتبه لبنان، ۱۹۹۶ م.

۳۳. جابلقی، محمد شفیع بن علی اکبر، القواعد الشریفه، قم، بی نا،، بی تا.

۳۴. جامی، عبدالرحمن، نفحات الانس من حضرات القدس، تهران، کتابفروشی محمودی، بی تا.

۳۵. جدید نژاد، محمد رضا، مصطلحات الرجال و الدرایه، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ ق.

۳۶. جعفریان، رسول، مهدیان دروغین، تهران، نشر علم، ۱۳۹۱ش.

۳۷. جمعی از نویسندگان زیر نظر احمدصدر حاج سید جوادی، کامران فانی، بهاالدین خرمشاهی، دایره المعارف تشیع، تهران، نشر شهید سعید محبی، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.

۳۸. جمعی از نویسندگان زیر نظر کاظم موسوی بروجردی، دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.

۳۹. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۸ ش.

۴۰. --------، وحی و نبوت در قرآن، قم، اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش.

۴۱. -------، نسیم اندیشه (دفتر اول)، قم، اسراء، سوم، ۱۳۸۸ ش.

۴۲. حر عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمه فی أصول الأئمه (تکمله الوسائل)، قم، موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، ۱۴۱۸ ق.

۴۳. حلی، حسن بن یوسف، اجوبه المسائل المهنائیه، قم، خیام، ۱۴۰۱ ق.

۴۴. خاوری، اشراق، تلخیص تاریخ نبیل زرندی، تهران، لجنه ملی آثار امری، ۱۳۲۸ ش.

۴۵. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایه الأثر فی النصّ علی الأئمه الإثنی عشر، قم، بیدار، ۱۴۰۱ ق.

۴۶. خوئی، ابوالقاسم، صراط النجاه، قم، نشر المنتخب، ۱۴۱۷ ق.

۴۷. --------، فقه الشیعه، قم، نوظهور، چاپ سوم، ۱۴۱۱ق.

۴۸. --------، معجم رجال الحدیث، بیروت، مدینه العلم، چاپ سوم، ۱۴۰۳ه.

۴۹. راوندی، سعید بن هبه الله، الخرائج و الجرائح، قم، موسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.

۵۰. رشتی، سید کاظم، دلیل المتحیرین، نسخه الکترونیکی در سایت: http://www. alabrar. com/

۵۱. الساده، مجتبی، النور الغائب، دار الرسول الاکرم صلی الله علیه و آله بیروت، ۱۴۲۸ق.

۵۲. سبحانی، جعفر، ارشاد العقول، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۴ق.

۵۳. السبکی، تاج الدین بن علی، طبقات الشافعیه الکبری، هجر للطباعه و النشر، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.

۵۴. السیوطی، جلال الدین، جامع الاحادیث، بی جا، بی نا، ۱۴۲۲ق.

۵۵. شبر، سید عبدالله، الاصول الاصلیه و القواعد الشرعیه، قم، کتابفروشی مفید، ۱۴۰۴ ق.

۵۶. شبیری زنجانی، سید موسی، کتاب نکاح، قم، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، ۱۴۱۹ه.

۵۷. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، نجف، مطبعه حیدریه، بی تا.

۵۸. صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد، المحیط فی اللغه، بیروت، عالم الکتاب، ۱۴۱۴ ق.

۵۹. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش.

۶۰. صدر، محمد باقر، بحوث فی علم الأصول، قم، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ سوم، ۱۴۱۷ ق.

۶۱. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، علل الشرایع، قم، داوری، ۱۳۸۵ش.

۶۲. طباطبائی یزدی، محمد باقر، وسیله الوسائل فی شرح الرسائل، قم، بی نا، بی تا.

۶۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.

۶۴. طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.

۶۵. ––––––––، تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.

۶۶. ––––––––، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.

۶۷. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.

۶۸. --------، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.

۶۹. طوسی، محمد بن الحسن، الامالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.

۷۰. --------، الامالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.

۷۱. --------، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، بی تا.

۷۲. العاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، الرعایه، قم، بوستان کتاب، ۱۴۲۳ ق.

۷۳. --------، مسالک الافهام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.

۷۴. عاملی نباطی، علی من محمد، الصراط المستقیم إلی مستحقی التقدیم، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۴ ق.

۷۵. عده ای از علما، الأصول السته عشر، قم، دارلبشبستری، ۱۳۶۳ ش.

۷۶. علم الهدی، علی بن حسین، امالی، قاهره، دارالفکر العربی، ۱۹۹۸ م.

۷۷. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران، علمیه، ۱۳۸۰ ق.

۷۸. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، دراسات فی الاصول، قم، مرکز فقه الائمه الاطهار علیهم السلام، ۱۴۳۰ق

۷۹. فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.

۸۰. قادیانی، غلام احمد، التبلیغ، سوریه، الشرکه الاسلامیه المحدوده، ۱۴۲۵ق.

۸۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.

۸۲. کاشف الغطاء، جعفر، حق المبین فی تصویب المجتهدین و تخطئه الاخباریین، تهران، شیخ احمد شیرازی، ۱۳۱۹ ق.

۸۳. کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰ق.

۸۴. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفه الرجال، مشهد، نشر دانشگاه، ۱۴۰۹ ق.

۸۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

۸۶. گیلانی (میرزای قمی)، ابوالقاسم بن محمد، قوانین الاصول، تهران المکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۷۸ ق.

۸۷. مارلو، لوییز، خوال و رویا فرا سوی مرزها، مترجم مریم وتر، تهران، کویر،

۱۳۹۳ ش.

۸۸. مازندرانی، محمد بن اسماعیل، منتهی المقال فی احوال الرجال، قم، آل البیت، ۱۴۱۶ق.

۸۹. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی- الأصول و الروضه، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۲ ق.

۹۰. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

۹۱. --------، مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

۹۲. مجلسی، محمد تقی، روضه المتقین فی شرح من لا ـ یحضره الفقیه، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.

۹۳. محمدی اشتهاردی، محمد، سوگنامه آل محمد علیهم السلام، قم، انتشارات ناصر، چاپ ششم، ۱۳۷۳ ش.

۹۴. مددی، سید احمد، پژوهشی در تفسیر قمی، ماهنامه کیهان اندیشه، تهران، موسسه کیهان، شماره ۳۲، مهر و آبان ۱۳۶۹ ش.

۹۵. مرتضی، علی بن الحسین، رسائل الشریف المرتضی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۵ ق.

۹۶. مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸ ش.

۹۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگو ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.

۹۸. مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، قم، نشر اسلامی، ۱۳۸۳ ق

۹۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الفصول المختاره، قم، کنگره هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

۱۰۰. --------، الاختصاص، قم، کنگره هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

۱۰۱. المقریزی، أحمد بن علی، إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفده و المتاع، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.

۱۰۲. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الاصول، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب(ع)، چاپ دوم، ۱۴۲۸ ق.

۱۰۳. --------، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

۱۰۴. میرداماد، محمدباقر بن محمد، الرواشح السماویه، قم، دارالخلافه، ۱۳۱۱ق.

۱۰۵. میرزای قمی، ابوالقاسم، القوانین المحکمه فی الاصول، قم، احیاء الکتب الاسلامیه، ۱۴۳۰ ق.

۱۰۶. نراقی، احمد، مناهج الاحکام و الاصول. موجود در کتابخانه اینترنتی نور به آدرس:

http://www.noorlib.ir/View/fa/Book/BookView/Image/۱۶۶۷۶

۱۰۷. نراقی، محمد مهدی، انیس المجتهدین، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.

۱۰۸. نوری، دارالسلام فیما یتعلق بالرویا و المنام، بیروت، موسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۹ ق.

سایت ها

http://vb.almahdyoon.org/showthread.php?t=۱۶۶۴۱

http://www.burathanews.com/news_article_۲۹۲۰۸.html

کتب احمد بصری

احمد بن اسماعیل، الجواب المنیر، بی تا، بی جا

احمد بن اسماعیل، المتشابهات، بی تا، بی جا

الانصاری، زکی، بین یدی الصیحه قراءه فی الاحلام منهجا و علما

الزیدی الانصاری، ضیاء، الرویا فی مفهوم آل البیت علیهم السلام

کتب انصار احمد بصری

۱. احمد بن اسماعیل، الجواب المنیر، بی تا، بی جا.

۲. واحد تحقیقات انتشارات انصار الامام المهدی، ادله جامع یمانی، بی تا بی جا.

۳. احمد بن اسماعیل، نصیحه الی طلبه الحوزات العلمیه. بی تا بی جا.

۴. احمد بن اسماعیل، المتشابهات، بی تا، بی جا.

۵. الانصاری، زکی، بین یدی الصیحه قراءه فی الاحلام منهجا و علما.

۶. الزیدی الانصاری، ضیاء، الرویا فی مفهوم آل البیت علیهم السلام.

۷. حطاب، احمد، دابه الارض و طالع المشرق.

۸. الانصاری، ابو محمد، جامع الادله.

۹. واحد تحقیقاتی انتشارات انصار الامام المهدی، بشارتی.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان


WWW